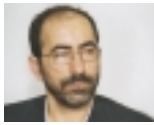
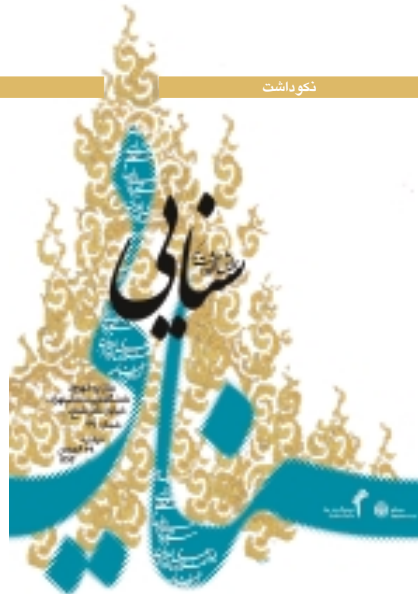


گفت و گو با علی اصغر محمدخانی  
دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

## بنیانگذار شعر صوفیانه



بازشناسی و بررسی آراء و آثار بزرگان ادب فارسی یکی از نیازهای برآمده روزگار ماست که این بازشناسی باید با نگاه نو به زندگی و آثار شخصیت‌های تأثیرگذار در فرهنگ و تمدن ایرانی همراه شود. در سال‌های گذشته همایش‌ها و برنامه‌های مختلفی برای نکوداشت حافظ سعدی، خیام، فردوسی، سهروردی، ملاصدرا، مولوی، ابن سینا و... برگزار شده و روزهای نیز برای یادآوری بزرگان در تقویم ثبت شده است. اما بسیاری از شاعران، نویسندگان و شخصیت‌ها کمتر به جامه معرفی شده‌اند و یادکرد آنان در میان توده است. شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری دانشگاه تربیت معلم قصد برگزاری نکوداشت بازشناسی حکیم سنایی غزنوی را در ۲۹ فروردین ۱۳۹۳ دارد که با حضور سنایی پوهان داخل و خارج کشور در دانشگاه تربیت معلم برگزار می‌شود. با علی اصغر محمدخانی دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی درباره سنایی و برنامه‌های این همایش گفت‌وگو می‌کردیم که از نظر شما می‌گذرد.



گفت و گو با دکتر محمود فتوحی دبیر علمی نکوداشت حکیم سنایی غزنوی

## تحول آفرینی در غزل و مثنوی عرفانی



در پایان فروردین ماه به همت شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشگاه تربیت معلم تهران نکوداشتی یک‌روزه با موضوع بازشناسی ادبیه‌ها و آثار حکیم سنایی غزنوی شاعر فارسی زبان قرن پنجم و ششم ۲۹ فروردین در دانشگاه تربیت معلم تهران برگزار می‌شود آنچه می‌خوانید مصاحبه‌ای با دبیر علمی نکوداشت، دکتر محمود فتوحی در باره انگیزه‌ها و اهداف این نکوداشت و شخصیت حکیم سنایی است.

بزرگداشت  
حکیم سنایی غزنوی  
دوشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۳  
۹ ربیع الاول ۱۴۱۳ - ۱۸ آوریل ۲۰۱۵  
شماره ۲۳۳ پیاپی ۶۲  
www.ketabehaftah.ir  
صاحب امتیاز:  
عنايه كتاب ايران  
مدیر مسؤول:  
احمد مسجد جامعی  
ISSN: 1029-3345



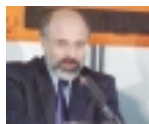
### آثار سنایی و ادبیات تطبیقی

سهیلا صلاحی مقدم  
دو گفت و گو

سنایی و  
شکوفایی شعر

دوره غزنوی  
در آینه شعر

حکیم غزنین



دکتر عبدالغفور  
آرزو: تفرج در قلمرو  
سنایی با عینک

ریاضی ممکن  
نیست. نمی توان

نگاه و تکرش  
حضرت ابوالمجد

را با تیغ تیز  
«تقسیم» و «تفریق»  
جراحی کرد.

### تفرج در قلمرو سنایی بدون عینک ریاضی

دکتر عبدالغفور آرزو اهل افغانستان است و در ایران به عنوان دیپلمات ارشد در سفارت کشورش به خدمت مشغول است. دکتر آرزو سنایی را خوب می‌شناسد و لایه‌های ایهام وجودی اندیشه سنایی را از تصوف گرفته تا تحیر با زبان خود باز می‌نماید.

کتابشناسی حکیم سنایی غزنوی

۸۱ کتاب فارسی، ۱۱۰ مقاله، ۱۰۵ پایان نامه

چکیده گزیده سخنرانیهای نکوداشت سنایی در کتاب هفته

سنایی از نگاه ۱۷ شاعر و محقق معاصر

دیدگاه های: سیدعلی آل داوود، عبدالمحمد آیتی، احمد ابومحبوب

کامل احمدنژاد، حسن انوشه، مفتون امینی

محمدرضا برزگر خالقی، حسین بهزادی اندوهجری

پهروز ثروتیان، محمد روشن، غلامرضا ستوده

پرویز عباسی داکتانی، محمد غلامرضایی، مرتضی کاخی

محمود مشرف آزاد تهرانی، علی محمد مؤذنی  
و توفیق ه. سبحانی



پایان نامه‌های علمی و پژوهشی

شماره ۲  
دوشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۳

دانشگاه آزاد اسلامی

وله ۶۶۱ هجری قمری در شهر غزنه (ننوزین) در شرق افغانستان  
سفرها، پنج مورد هرات، سرخس، نیشابور، غزنه، زیارت حج،  
درگذشته یکشنبه یازدهم شهبان ۵۲۹قمری در محله نیکرآباد شهر غزنین در گذشت و در همان شهر  
مدفون شد. مراسم زیارتگاه مردم است.

**شماره‌ی سنایی با آتان ارتباط فکری داشته است.**  
محمد بن منصور سرخسی، از علما و صوفیان مشهور عصر  
خواجه عبداللین احمد بن مسعود تپشه  
امام برهان الدین ابوالحسن علی ابن ناصر غزنوی معروف به بریانگر  
فضل ابن یحیی ابن صاعد هروی معروف به عازف زرگر

#### محدود فترس

نوشته زیر پژوهشی کاربردی درباره منابعی (کتاب، مقاله، پایان نامه و...) است که درباره حکیم سنایی تالیف یا ترجمه شده اند. پژوهشگر این نوشته در مقدمه خود آورده است که به پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و دکترای نظر داشته و به دلیل محدودیت فرصت از آوردن فهرست پژوهش هایی که در شهرستانها، بخصوص دانشگاه آزاد صورت گرفته، خودداری کرده است. این حجم زیاد منابع، بخصوص در بخش مقاله (۱۱۰ عنوان) و پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد (۹۰ پایان نامه) و دکترای (۱۵۱ پایان نامه فارسی) که کتاب هفته نیز با محدودیت فضا مواجه شده و به انتشار فهرست کتاب ها بسنده کرده و از خواندگان می خواهد که متن کامل این مقاله را در مجلات تخصصی تری چون ادبیات و فلسفه پی بگیرند. یک نکته را هم اضافه کنیم که در این فهرست ۳۱ کتاب و مقاله به زبان لاتین هم آورده شده است.

#### کتابهای دیار سنایی

- ۱- الفارسی، محمد علی، عروس حضرت قرآن تحلیل و نقد درونمایه های قرآنی در دیوان سنایی (بیان هدایت نور ۱۳۸۱)
- ۲ - اربناس، بوذ (به کوشش) مثنوی طریق التحقیق منسوب به حکیم سنایی غزنوی احتمالات از گفتار احمد بن الحسن بن محمد النججاری، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، سروش ۱۳۸۱
- ۳ - برزگر، سیدحاج، وحدت عارفانه (تشریح بر حدیقه الحقیقه حکیم سنایی) تهران، نگارستان، ۱۳۸۳
- ۴ - بشیر، علی اصغر، سیری در ملک سنایی، کابل، مؤسسه انتشارات بیهقی، میزان ۱۳۵۶
- ۵ - پارسای، کیومرث، سنایی غزنوی، تهران، دبیر ۱۳۸۱
- ۶ - پشتری، غلام صفدر، تاثیر قرآن در دیوان سنایی، کابل، کابل پوهنتون، ۱۳۵۰
- ۷ - حقوفی عسگر، گزیده حدیقه الحقیقه، تهران، هیرمند، چاپ دوم ۱۳۶۹، چاپ اول ۱۳۶۵
- ۸ - حلبی، علی اصغر، گزیده حدیقه الحقیقه، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱
- ۹ - خلیلی، خلیل الله، احوال و آثار حکیم سنایی غزنوی، کابل؛ مؤسسه انتشارات بیهقی، ویرایش دوم، ۱۳۵۶
- ۱۰ - خلیلی، خلیل الله، درباره یک نسخه قدیمی کلیات حکیم ابوالمجد محمد سنایی، کابل، ۱۳۳۸/۱۹۵۹
- ۱۱ - خلیلی، خلیل الله، احوال و آثار حکیم سنایی، کابل، مؤسسه انتشارات بیهقی، ۱۳۱۵/۱۹۳۶
- ۱۲ - درگاهی، محمود، طلاه دار حقیقت، (نقد و شرح اندیشه سنایی با گزیده ای از حدیقه الحقیقه) تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستارگان و اخوانی کرمانی، ۱۳۷۳
- ۱۳ - دو بروین، یوهانس توماس پیتر، حکیم اقلیم عشق (تاثیر متقابل دین و ادبیات در زندگی و آثار حکیم سنایی غزنوی)؛ ترجمه مهیار علوی مقدم، محمد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸
- ۱۴ - راستگو، سید محمد، گزینش و گزارش از حدیقه سنایی، تهران، سمت (سازمان یوقاخانه و تدوین کتب علوم

## زندگی و آثار حکیم سنایی

- آثار حکیم سنایی**
- ۱- حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (لا می نامی با فخری نامه) مثنوی تعلیمی عرفانی، شمار ابیات آن در نسخه های مختلف از ۵ تا ۱۲ هزار بیت اختلاف دارد.
  - ۲- دیوان (کلیات اشعار قصاید و غزلیات و مقلعات و رباعیات)
  - ۳- سیرالعباد الی المعاد (منظومه تشلیلی سفر روحانی)
  - ۴- گزیده بلخ (طایفه نامه) منظومه کوتاهی در حدود ۱۵۰ بیت، در انتقال مردم بلخ سروده شده است. برخی اطلاعات تاریخی در باره زندگی شخصی خود او، پدرش و برخی معاصرانش در این مثنوی آمده است.
  - ۵- تحریمه القلم، مثنوی کوتاهی در حد بیت خطاب به قلم و با موضوعات عرفانی.
  - ۶- مکتوب (نامه ها) تعداد ۱۶ نامه به قلم سنایی است که البته در صحت انتساب برخی از آنها به سنایی تردید است.

## کتابشناسی حکیم سنایی غزنوی

# ۸۱ کتاب فارسی، ۱۱۰مقاله، ۱۰۵ پایان نامه

- انسانی دانشگاهها)، ۱۳۸۰
- ۱۵- رجاء، عبدالمتعم جبر؛ رحله الروح بین این سینا و سنایی و داتنی، قاهره، مکتبه الشیاب، ۱۹۷۷
  - ۱۶- رنجبر، احمد؛ گزیده اشعار حدیقه سنایی غزنوی، تصحیح و توضیح و مقاله، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲
  - ۱۷- زرقانی، مهدی؛ زلف عالم سوز (نقد و تحلیل و گزیده اشعار سنایی غزنوی)، تهران، نشر روزگار، ۱۳۸۱
  - ۱۸- زرقانی، مهدی؛ افق های شعر و اندیشه ی سنایی غزنوی، تهران، روزگار، ۱۳۷۹
  - ۱۹- زنجانی برات؛ برگزیده اشعار سنایی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۶
  - ۲۰- سجادی، ضیاء الدین؛ سنایی غزنوی، گزیده اشعار قصاید، غزلیات، مثنوی ها، و نامه سنایی به خیام، (ویرایش دوم)، تهران زوار، ۱۳۶۵
  - ۲۱- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ نغمه گز حدیقه عرفان،؛ گزیده حدیقه سنایی، انتشارات سخن، تهران
  - ۲۲- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ طریق التحقیق، منسوب به سنایی حکیم غزنوی، شیراز کتابفروری جهان نما.
  - ۲۳- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ تحریمه القلم، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، در مثنویهای حکیم سنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ و انتشارات پایک، ۱۳۶۰
  - ۲۴- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ تحریمه القلم، به کوشش مجتبی مینوی، فرهنگ ایران زمین، سال پنجم، (۱۳۳۶)، ۵: ۱۵
  - ۲۵- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ حدیقه سنایی، نسخه کتابخانه سالار جنگ، حیدر آباد، هند، حدیقه سنایی، مع شرح، نسخه کتابخانه دانشگاه علیگر، هند.
  - ۲۶- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران، ۱۳۳۹
  - ۲۷- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تصحیح و تحشیه محمد تقی مدرس رضوی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹
  - ۲۸- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ دیوان، تهران، نگاه.
  - ۲۹- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ دیوان، چاپ سنگی، تهران.
  - ۳۰- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ دیوان، محمد تقی مدرس رضوی، کتابخانه سنایی، تهران، بی تا.
  - ۳۱- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ سنایی آباد (سلوت نامه)، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، در مثنویهای حکیم سنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ و انتشارات پایک، ۱۳۶۰
  - ۳۲- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ سیرالعباد الی المعاد، بانضمام شرح سیرالعباد الی المعاد، در مثنویهای حکیم سنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ و انتشارات پایک، ۱۳۶۰
  - ۳۳- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ سیرالعباد الی المعاد، به کوشش حسین کوهی کرمانی، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، مجله ادبی، نسیم صبا ۱۳۱۶
  - ۳۴- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ سیرالعباد

- الی المعاد حکیم سنایی غزنوی، تحقیق متن از رضا مایل هروی، کابل، مؤسسه انتشارات بیهقی، ۱۳۵۶
- ۳۵- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ طریق التحقیق، منسوب به سنایی حکیم غزنوی احتمالا از گفتار احمد بن الحسن بن محمد النججاری، به کوشش یو اربناس، مترجم غلامرضا هدید، تهران، سروش ۱۳۸۱
  - ۳۶- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ کارنامه بلخ (طایفه نامه)، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، فرهنگ ایران زمین، سال چهارم، ۱۳۳۲/ ۱۹۵۵، ۳۵۲- ۲۹۷
  - ۳۷- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ کارنامه بلخ، با مقدمه و تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، فرهنگ ایران زمین ۳، ۲۹۷- ۳۴۶
  - ۳۸- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ کارنامه بلخ، مثنویهای سنایی، در مثنویهای حکیم سنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ و انتشارات پایک، ۱۳۶۰
  - ۳۹- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ کلیات قصاید و غزلیات و مقلعات و رباعیات، از همت محمد جعفر شوشتری مشهور به مولانا و میرزا محمد ملک الکتاب در مطبع فیض رسالت، بمبئی، ۱۳۳۸ قمری
  - ۴۰- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ کلیات اشعار حکیم سنایی، چاپ عکسی از روی نسخه کهن موزه کابل در قرن ششم، به کوشش علی اصغر بشیر، کابل، مؤسسه انتشارات بیهقی ۱۳۵۶ / ۱۹۷۷
  - ۴۱- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ مثنویهای حکیم سنایی به انضمام شرح سیرالعباد الی المعاد به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ / ۱۹۶۹، چاپ دوم، تهران، انتشارات پایک ۱۳۶۰.
  - ۴۲- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ مکتایب سنایی مستخرجه کلیات سنایی آکسفورد کتابخانه بادلیان، شماره ۵۳۷.
  - ۴۳- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ مکتایب سنایی، به کوشش نذیر احمد، رامپور، انتشارات دانشگاه اسلامی علیگر، ۱۹۶۲ / ۱۳۸۲ ق/ ۱۳۳۱ش
  - ۴۴- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ مکتایب سنایی، تهران، بنیاد موقوفات افشار.
  - ۴۵- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ مکتایب سنایی، تحقیق متن از نذیر احمد، کابل، پوهنجی ادبیات و علوم بشری، ۱۳۵۶
  - ۴۶- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ مکتایب سنایی، نسخه کتابخانه حبیب علیگر،
  - ۴۷- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ منتخب حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تهران، امیرکبیر
  - ۴۸- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ منتخبی از غزلیات سنایی، تهران، عطایی
  - ۴۹- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ مکتایب سنایی، بنیاد موقوفات افشار، تهران
  - ۵۰- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ تحریمه القلم، به کوشش مایل غلامرضا هروی، آریانا، ج ۲۵ (۱۳۳۶) ش ۲، ۱۶۱- ۷۵.
  - ۵۱- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ دیوان، چاپ سنگی؛ بمبئی، ۱۳۳۸ / ۱۹۱۷





## تفرج در قلمرو سنایی بدون عینک ریاضی

**گفت‌وگو با دکتر عبدالغفور آرزو**

**دکتر عبدالغفور آرزو اهل افغانستان است و در ایران به عنوان دیپلمات ارشد در سفارت کشورش به خدمت مشغول است. دکتر آرزو سنایی را عربی می‌شناسد و لا الهی الا الله صوری لقبش سنایی را از تصوف گرفته تا شعر با زبان عریب‌نژاد می‌نویسد. گفت‌وگوی حاضر با دکتر آرزو خوانشنی است.**

**نقصدای سنایی حاصل چند دیدگاه است؟**

تفرج در قلمرو سنایی با عینک ریاضی ممکن نیست. نمی‌توان نگاه و تکرش حضرت ابوالمجد را با بیع نیز تقسیم(و تفریح) جراحی کرد. با توجه به چگونه زینسن شاعر و در مرحله مشخص زندگی‌اش می‌توان گفت که در مرحله نخستین زندگی‌اش، اشعارش نیز همان رنگ زمینی را دارد که در تیریز از ولستکی‌های معلوم است.

پس از آنکه در دست‌آورد صاحب درد جام و اسکنج و دانش را بر آینه‌دار عشق به جان جهان می‌گردد:تصوف در یک کلام، تریم عشق است و پس البته نقصدای سنایی پس از تحول روحی‌اش، بیش از غزلیتیش، لریز او زیاده تصوف می‌شود.

حضرت سنایی با ابداع غزل قلندریه بر رأس غزل عاشقانه و

علاقه‌نامه می‌آینسد. فرحسنگان می‌دانند که غزل عاشقانه و علاقونه در سراسر کلام، سرانجام به کنای می‌رسد که شیخ اجل سعدی و خواجه‌نادر گلزار

بلیغ مولاتا بر چنگاد آن نثار می‌گیرند.شعرا سنایی سرشار از موعظه‌امثال



### تفرج در قلمرو سنایی با عینک ریاضی ممکن نیست. نمی‌توان نگاه و تکرش حضرت ابوالمجد را با بیع نیز تقسیم، و «تفریح» جراحی کرد

وحکم، جدال‌های کلامی، بارقه‌های عرفانی و ملوح و موجر است. مظاهر مولاتا، بارقه‌های عرفانی شعر سنایی را در تخیل به قواره نور می‌سازند. مولاتا نسبت به سنایی و مظاهر نیز اثر ارادت می‌نماید:

ترک جویش کردم من نیم جام

از حکیم غزوی پشتو بنشود تمام

عزیز روح بود و سنایی دو در چشم او

ماری ز سنایی و مظاهر آدمیوم

حقیقت شنبه نقصدای سنایی، سعدی را دانش آموزان مشتاق مدرسه موعظه و اباحالی ابوالمجد است. لریز ریزه‌خور، جوان حجر «حکیم غزوی» با توجه به این اشعار، نقصدای سنایی نیز سرشار از چنین پشت‌نمایه‌های است که پس از تحول روحی، عشق و عرفان، حکمت و موعظه، مانی شرعی می‌کلامی، پدای چنین جامی محسوب می‌شود.

**آقیم روشنائی وجود سنایی در مرز چه قالب شعری تجلی یافته است؟**

پس از آن که سنایی با بیشتر درخور او، صاحب درد می‌شود: زایش

زبان عاشقی می‌شود. آقیم سنایی با روشنی عرفان چنان تجلی می‌نماید

که شعر فارسی دردی را برساند:خبر گفتگفت، رنگ و آهنگ دیگری می‌بخشد و سبک خوش‌اندامی، آسان‌نویس، عرفانی می‌کند. اگر از راه‌نقش، مستوب به ابوالمجد، اولوسهر را گردانید، حکیم غزوی نخستین شاعری است که

شعر او تبدیل به شاره عشق و عرفان می‌نماید.ناراین مرد و زمر روشنائی ملک سنایی، جوی‌های معنایی و آسمانی عرفان است و پس از **تفرج ابداع، سنایی با یک کام شاعر معاصر می‌توان مقایسه کرد؟**
کار خواران را قیاس را خود بگیرم، چراغ دهن، منظراف به چنین مقایسه‌ای شده‌ولی به‌طور کلی می‌توان گفت: شادروان نیما پویانچ، به نوعی، بیرون سنایی مطیع و محوری از شعر فارسی دری است. اشرف شالمو، فروغ سیهری و غیره در اندام سنیر سزای نیما، بی‌ولان داده‌اند.

شعر نور سیود و همه‌جای از چنان هیبه، برافروخته‌ای است.

**کلام اثر سنایی دو تحول تاریخ تصوف ایران اهمیت بیشتری دارد؟**
نقصدای و شش‌وی سنایی سنایی پیشین تخیلی‌گانه عشق و عرفانی است، اگر می‌توانیم پس‌پس محصور اجتماعی‌سازیم، حقیقه‌پیش از سایر آثار شاعر، در زمینه تحول تاریخ تصوف تأثیر گذار است، زیرا شاعر بار بار که حقیقه مظهر نفس است و غزلی بر تک، حضرت ابولیسر:

گرچه در غفلت اندرین می‌سالی

قدر من سیاه کرد خیال

این سخن‌ها ز کاتب چپه و راست
خاطر سمد خوار سیه بخواست

**نقارت زبان سنایی با هم‌عصرانش در چیست؟**

شاعران سبک خراسانی آینه‌دار طبیعت‌لذت و با نیمه زمینی خود، زبومه می‌نمایند. مجاز برایشان قطره‌ای از حقیقت نیست، بل واقعیت آنگونه که هست آینه‌خورشان است. اما سنایی از سکوی برخی یون استاد، سیر آسمانی را تجربه می‌کند، سیری که متصل به علمی می‌گردد که به تعیر این سیاه‌نزه نام دارد و به باور شاکرشد ابوعلید جوزجانی دوزخگاه:«از این منظر، شعر سنایی منظرفای است سرشار از نماهای تامل‌ناپذیر و مثلیهٔ آینه‌پای می‌شود که هر که سعی‌ای می‌گردد:صوری می‌نشد و صورت معنی خود را می‌گردد. سنایی شاعری معنی‌گراست و جمله و اهام را علت فاعلی شعر می‌داند. این تکرش در وزن آسان‌به شعرش هویش بخشیده است که در دانش جهان نفس شاعر را در برابر تأثیر آفاق به نشانمای می‌گارد.رشته زبان سنایی نه پیچیدگی زبان عاشقی را دارد و نه پیچگی و سلامت زبان سعدی و حافظ را آنچه که به زبان سنایی هویت می‌بخشد، نگاه‌عاشقانه و علاقونه‌لوست یعنی چندان تکرش چنین نگاشی را می‌پورزند.

**چه عاملی باعث دشواری حقیقهٔ سنایی است که آن را نیاخذند شرح کرده است؟**

سنایی از مرز فراتر طبیعت، محرابی بی‌چون بر می‌گشاید.شعر یکجمله، علاقونه‌اش را معنی پورانی است. حقیقهٔ سرشار از شوکتی معانی حکمی، عرفانی آینه‌گانه‌اند و پند است که با زبان شورانگیز و صیر حیرت‌عباری رنگ می‌گیرد.صیر رشاد توکل و غیره چاشنی‌بخش جویوان حقیقه است. آنچه که حقیقه را دشوار و نیاخذ به شرح کرده است تکرش کلامی است. نگاه علاقه‌شاعر است. آنکه که سنایی سبیر به طور عرفان می‌ساید. هرگز نمی‌تواند از جدال‌های کلامی فاصله بگیرد، چنان که نقصدایش نیز صوف و کلام را هماهنگ آینه‌داری می‌کند. قبیلهٔ

بجزا در یک زمین چندین شات مختلف بینم

ندخل و نار و سبیب و بید و بیون ائی و چون زینده
استقلال اشعاره را در آفات ذات حق به صوری می‌کند. البته سیمولسیسم عرفانی نیاخذند. تأملی است. حقیقهٔ نیز یاد رنگ الهی‌اش آنگاه تأثیر آینه‌داری، می‌تواند از این منظر نیز شرح است.

**جایگاه زن در شعر سنایی چگونه است؟**

تاریخ و معرفت مذکر- که حاصل جنبهٔ پسته است- شرع سنایی نیز چون همهٔ اسلامش، شاکمیت دارد. اگر شعر کلاسیک را از این منظر بررسی کنیم، می‌بینیم با زنان حضور ندارند و یا اینکه حضور او را و در چه دوم دارند. حکمی که سنایی دچار انقلاب و دگرگونی ژرف روحی می‌گردد در جواب بهرام‌شام می‌گوید:

من نه مرد زن دارم و نه جامم

به سخا کم ترکم و گر خواهم

در حقیقهٔ زن در معنی زانغور، شام سخن را می‌گشاید و سرانجام می‌گوید:بنده زن مشو حرام و اجلال

تا کوفلانت عیال عیال

نگاه سنایی نیز بر مایهٔ تاریخ مذکر و معرفت متنازل جنسی، نسبت به زنان خوشایند نیست.

**زنان در عصر سنایی چه نوع تمجیت و جایگاهی داشته‌اند؟**

نمی‌توانم چرا چنین بررسی در ذهن شما شکل گرفته است. به

پارهای امام غزالی، ملاصدرا، ملاهادی سبزواری نسبت به زنان نگرید.

آنکه دومی باید که حضور زنان چگونه است.

یکی از شخصیات عصر غزویان، عصر نهانجام و جنگ‌های خوین است. جنگ‌های متنازل، زمینهٔ عشق مذکور و ظلم‌دارگی را مسافه می‌نماید. پرورشندان بروده می‌مانند و الحرف، پسند دیگری را فراهم می‌نمایند.سنایی در دوره‌ای زندگی می‌کند که امپراتوری باشکوه غزوی می‌مدار ترولی اضمحلال قرار دارد. نابودی و رکود در تمام عصرها خود را نشان می‌دهد. موقعیت پرورشندان زنان یکی از نشانه‌های چنین سقوطی است. پس از غزویان، نیز زنان حضور اجتماعی ندارند. از این منظر دوره غزویان، سلجوقیان، صفویان و غیره با دوره غزویان همسان است.

**دورنیه آثار و اشعار سنایی در افغانستان چه کارهایی انجام شده‌است؟**
افغانستان یعنی زادگاه مولانا سنایی، نامرصوص و معنوی پیش از دوره در آتش تجاوز و جاسوس‌خه است. نشان آثار گزفته افغانستان فرصت تکرار پیش از نی و داشته است. نوشتهٔ قاتر و شفا و انعام وهدو گیونان سبک‌العلم بالا را آنگاه با کاروان حله، جذب نمایند. آفرینش و سبک‌بویک و مدنیت تیوریمان هرات را بیرون‌اند و زمینه آفرینش هنری و تحول سبک‌های ادبی را فراهم نمایند. با همهٔ درویشان حقیق الله حلیلی، عدال‌حلیلی، حسینی، رضا مایل و علی اصغر بشیر در زمینه آثار سنایی کارهای ارزنجایی ارائه داده‌اند. یونانقد سرور، همانین استاد بر حال دانشگاه اویات کابل نیز اثر گرانیهای در قلمرو سنایی دارد. در ایجاد نسبت یافتی یکم از روشنائی علی اصغر بشیری که باتمسق و دقت سبزی در قلمرو سنگ مکاری را تألیف نمود.

## از نگاه ۱۷ شاعر و محقق معاصر حکیم سنایی

این تحول در سنایی شده است. این از جمله مباحثی است که در تاریخ ادبیات می‌تواند بسیار مورد بحث قرار بگیرد. اگرچه بسیاری از موضوعات دیگر را هم پیرامون سنایی و آثارش می‌توان طرح کرد و در موردش بحث کرد و البته قبلاً در مورد سنایی و ویژگی‌ها و غصبت‌هاش تا حدودی بحث شده. اما به نظرم کافی نیست.

به عقیده من یکی از جنبه‌هایی که باید روی متن آثار سنایی کار بشود، پیگیری عوامل سیاسی، در آثار سنایی است. عناصری که بیرون از متن آثار سنایی هستند، و در متن آثار سنایی تأثیر گذاشته‌اند. سنایی و حقیقهٔ نقصدایش و حتی در دیگر مجسمه‌هاش گاهی تفکرات متناقض دارد که می‌باید جایگاه این موضوعات را که جنبه تاریخی هم دارد، در آثار ایشان، در جسی باید این مسائل را از جهات تاریخی کشف کرد که کدام اثرش در کدام دوره از تحول فکری این خلق شده است. به این ترتیب جای یک تحقیق آکادمیک و عمیق در مورد سنایی و آثارش امروزه در جامعه ما محالی است.

##### کامل‌احتمذات

**جایگاه سنایی را در شعر کلاسیک فارسی چگونه می‌بیند؟**

اگر افراتی کنیم، می‌توانیم بگویم آلان روح زمانه ما مولوی است. و یکی از رهران مولوی هم به تصریح خودش شاعران بوده که به تکرار هم آن را گفته و تأکید کرده است. او پیش دیگر سلفی اولین شاعر فارسی زبان است که عرفان را در حد گشوده وارد شعر فارسی کرد و از این نظر به واقع پیغمبر مظاهر و سوری است. به نظر من سنایی شاعر بزرگی است. البته نباید جایاب موجود از آثارش کمی جای تردید به وجود می‌آورد. مخصوصاً حقیقه‌اش که آلان شامل دهن‌هازی بیت است. اما زایش طوری است که حذف‌های بیش از اندازه دارد و فهم شعرش را همین سأسه، مشکل کرده است. به نظر من اگر مولوی مهم است، پس باید سنایی هم مهم باشد. برای اینکه اینها یک جریان را تشکیل می‌دهند و به قول خود مولوی «مظاهر روح بود و سنایی دو چشم اوره که به صورت‌های مختلفی هم این بیت را همین صورت‌ها بهم دیده‌اند. باز در جاهایی می‌توانیم

ترک جویش کردام من نیم جام

از حکیم غزوی پشتو بنشود تمام

یعنی حرف کامل را از سنایی غزوی شنوید. من حرف نیمه‌جام نگفتم. ما در حوزه پاران مولوی، به حقیقه سنایی اهنی‌نامه می‌گفتند و مردمان را به آن قسم می‌دادند. یعنی مثل کتاب مقدس بوده آلان هم روح زمان مولوی است. پس شناخت مولوی را در اولویت قرار می‌دهند. البته افرادی هم هستند که به سنایی علاقه ندارند.

**سرافراز شعر اجتماعی هم با سنایی بوده است؟**

من اینطور فکر نمی‌کنم. به نظر من سنایی نفرد آدمی است. یعنی از جامعه‌خسور و خودمسی البته یک استثنا بوده بعد از آن اولین کسی که مسائل دینی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را وارد شعر کرده نامرصوص بوده و بعدش هم سنایی که اصالت را به محتوا داده‌اند. **ارزویی شما در مورد تحول فکری و روحی سنایی چیست؟**

اینکه تحول روحی‌اش چه بودهٔ مقداری آسان‌به‌پردازی کرده‌اند. لابد شنیده‌اید، اما این تحول فکری واقعاً روی داده سنایی هم زندگی دو مرحله‌ای دارد. در مرحله اول خیلی به فرخی نظر داشته و منوجه‌ری. همین آلان را می‌توانم غزلی‌ای از سنایی بخوانم که به استقبال فرخی رفته است. اما دوران واقعی شاعری سنایی بعد از آن تحول روحی است. نکتهٔ رنگی که شاید بتوانیم یادآوری کنیم تا آخر عصر هم به‌رشد و اتمام کرده است. یعنی در دوران تحول هم به جهت محبت بسیار، خاصیتی که برآمده غزوی به ولادتت سنایی او را استایین می‌کند.

##### حسن‌نوטה

**آقای اوتسه اطلاعات شما از سنایی و آثارش تا چه اندازه است؟**
من خودم مستقلاً توشش یک مقاله تحقیقی درباره سنایی هشتم و اگر چند روز بعد تماس بگیریم می‌توانم به صورت مفصل در این باره صحبت کنم.

**جایگاه سنایی را در ادب فارسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

سنایی هم در ادب فارسی مقام بلند دارد و هم در عرفان ایرانی. متنها می‌شود. کلمت سنایی دو تا آدم است. سنایی پیش از سرفر مکفه در عهدایش پیشو مشغول مضمون چندم می‌شود و سنایی پس از سرفر با ساسانی قبلی کلی فکر فراد دارد. تأییش از تحول روحی، سنایی مثل شاعران سبک سراسری مثل فرخی، عصری و منوجه‌ری بوده و به شیوه آنها شعر می‌سرمدی است و مدیحه‌سراسری می‌گردد است. البته مدیحه نه شعر بدی است و نه در زبان فارسی شعر کلامیست به شمار می‌رود. اصلاً نوع شعر عرفانی با مدیحه فرق می‌کند. کلامی حتی مدیحه ممکن است به اندازه شعر عرفانی مهم باشد. کلامی برفی ما که کلان زمانمان فارسی است. و از زبان سنایی می‌توان تحول روحی‌اش را کلی عرفان می‌شود. چون نگارش نیست. به جهان مظهر می‌گفته و تخیلی به آدم کلام‌تخلیقی می‌شود.پس شیوه جدیدی پیش می‌گردد که برای اولین



حسن‌نوטה







## حکیم سنایی

از نگاه

۱۷ شاعر

و محقق معاصر

شما چه نظری دارید؟

شعر اجتماعی سنایی هم بی‌تغییر است. متأسفانه سنایی شناخته شده نیست. او شاید بعد از ناصر خسرو تنها شاعری است که نام نایب‌نامه‌ی‌ها و پیرسنی‌های اجتماعی را بی‌پروایان می‌کند؛ چه در مثنوی و چه در قصیده‌هایش. در مثنوی حلیقه‌الحقیقه، مخصوصاً از پیشوایان فدایی، ابراهام می‌گیرد. همینطور فضات و حتی مأموران دولتی همه مورد آتش او هستند.

الآن جان چه پژوهش‌هایی درباره سنایی خالی است؟ **پژوهش‌های منتشرشده درباره سنایی به لحاظ ارزش در چه سطحی قرار می‌گیرد؟**

در باب سنایی باید از نوع سخنوری‌اش مطرح بشود به این صورت که شیوه انتخاب کلمات و به‌کارگیری ترکیبات و صنایع بدیعی که در شعر مطمح نظر هست مورد بررسی قرار گیرد و با افتخار و شیوه قصه‌پردازی او در همین‌طور. روزی که سنایی در مثنوی انتخاب کرده زیباترین وزن خربی برای بیان این تمثیلات است که باید بررسی بشود و مهم است؛ روزی که در فضیلتش انتخاب می‌کند آن نسبتیب،‌ها و گریزهایی که می‌زند که هیچ کس در این زمینه‌ها مثل او نیستند و هنوز این مباحث مورد بررسی قرار نگرفته است. سنایی واقعا چه‌وای استثنایی است و حتی قدرت سخنوری‌اش هم هنوز آنطور که باید فاش نشده است.

**از میان آثار منتشرشده در مورد سنایی کدام را بیشتر می‌پسندید؟** کاری که مرحوم مدرسن رضوی کرده بازاری که استاد فروزفر در کتاب سخن و سخنوران کرده که سرمنش است. دکتر شفیعی کدکنی دو گزینه شعر دارند که یکی گزینه‌ی قصیده‌های سنایی و دیگری گزیده‌ای از غزل‌های او است. این دو کار اصافاً کارهای بسیار خوبی هستند و دیدگاه‌های جدیدی در آنها نشان داده شده است. که بسیار آموزنده است. ولی هنوز در سنایی نظیر که باید دیده‌مان نشده است. من بیشتر در بعد گذشته‌های سیمین سنایی کار کرده مخصوصاً آنهایی که با طنز سازگاری داشت و دو مقاله نیز در نقد اشعار اجتماعی‌اش نوشته‌ام.

### پیروژن‌نویسان

**آقای ژنوتیان، با اینکه سنایی یکی از شاعران آغازگر در شعر مغان بوده و شعر اجتماعی هم دارد، کمتر شناخته می‌شود و به صورتی غریب است**

سنایی به دلیل ادب کمتر خوانده می‌شود که زبان آتش افکند اغلب برای همه مخاطبان قابل فهم نیست. سنایی دو مشکل دارد یکی این که نشانش اشعار است و برای همه قابل فهم نیست و دیگری اینکه روی سنایی و آثارش آنگونه که باید کار نشده و به جامعه شناسانده نشده است. البته می‌توان گفت، موسی کلبک عرفان مقدم سنایی است. اگر مریان بزرگ است که باید در تاریخ ادبیته‌ها و تربیت ارباب نامش برحسنته در حک شود. بعد از ایشان البته به نظر من عطار بیشتر پخته است و زایش هم برای جامعه قابل فهمتر است. منتها فرق عطار با سنایی در این است که عطار نه به دربار رفت و آمد داشت و نه گوشه‌گیر و منزوی بود. سنایی مدتی در دربار بوده و مدتی هم انزواطلب بوده است.

**بحث تحول روحی و شعر عرفانی یک طرف، عطار یکی از شاعرانی بود که با زبان تند و تیز شعر اجتماعی هم می‌سوزد**
حلیقه‌الحقیقه یکی از آسان‌نده‌های عالم عرفان است که در مورد مردم واقع‌بینی و تکرش خاص فرارفته سخن می‌گوید. به نظر من تمام کسانی که به عالم رفتند، نه به عالم صرف و سوزگویی، اغلب گمراه بوده‌اند و بعد از اینکه به عرفان گرویدند و بر اساس دل محوری کار کردند و به معرفت رسیدند، عالم دیگری داشتند.

خود مولانا هم همین شرایط را داشت. یعنی قبل از ملاقات با شمس تبریزی با نظامی گنجوی هم قبل از عالم عرفان شخصیت دیگری داشت. عالم معرفت در تغییر شخصیت‌ها و کنال بخشیدن به این شاعران بسیار مؤثر بود. سنایی هم یکی از همین افراد است. منتها من در مورد سنایی با این‌که مستقیماً تحقیق نداشتم، اما تأمل کرده و شدم سنایی با این‌که به حدیقه هست بسیاری آیات الحاقی است.

**الآن چه پژوهشی در مورد سنایی و آثارش لازم است نوشته و منتشر شود؟**
به نظر من باید پیش از هر چیز یک چاپ ویراسته و پیراسته و تصحیح مجدد از آثار سنایی منتشر بشود. البته مرحوم مدرسن رضوی تا حدی که توان داشت در تصحیح و چاپ آثار سنایی تلاش کرد، ولی نتوانست مشکلات دیوان سنایی را حل کند. پیش از هر چیز سنایی و نظامی و دنیا که جزو شاعران استثنایی هستند، باید یک گروه از محققان روی آثارشان کار کنند. کار روی آثار شته‌های چهارم‌ساز نیست. البته من روی آثار مآلا نظامی یک ربع فزونی زحمت کشیدم ولی واقعیت این است که گروهی را می‌خواست که تخصص‌های مختلف داشته باشند و با هم همدل و هم‌رسان رویش کار کنند. در مورد سنایی هم باید باید تمام آثار موجود سنایی در گوشه و کنار کتابخانه‌های دنیا جمع آوری بشود. قدم به قدم برای تصحیح و پژوهش و شرح این آثار جلو برویم. نمی‌شود با کار کردن در دانشگاه و در ساعت تدریس و کار یک ساعت در هفته مشکلات آثار سنایی را حل کرد. به نظر من سنایی یکی از مهمه‌های بارز در ادبیات عرفانی

## سبأ و اسنی

# در آینه شعر حکیم غزنین

**گفت و گو با دکتر مریم السادات حسینی**

**سنایی را با شعر می‌شناسند و شعر محصول شور و شعور انسانی**

**است که در پی حقیقت افغان و عیوان در صبح نسیب و با غروب تنهایی که پلکان معرفت را می‌نماید و سختگی را حسنه می‌کند. کالبدشکافی شعر سنایی پس از یک هزاره بر آینه گفت‌وگو با دکتر مریم‌السادات حسینی استاد دانشگاه الزهراء است.**

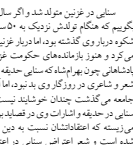
**علاقیت سنایی در کدام قالب شعر تجلی یافته است؟**

سنایی در همه انواع شعر، حال و هوای تازه وارد می‌کند و انواع تازه از شعر می‌آفریند. تولید غزل قلندری، قصیده‌های اجتماعی و سیاسی و مثنوی عرفانی همه از اختراعات اندیشه ناور و پیرای سنایی است که هیچ چیز کهنه را نمی‌سندد و به قصد دوری از هر فضای مادی و عذایی در حلدت‌ها وجود آورند شباهت تازه و نو است.

**چرا سنایی را سر آغاز و دوران‌ساز یک دوره از شعر فارسی می‌نامند؟**
به این جهت که سنایی بر سر دوره‌های سیزدهم و چهارم می‌ایستد و با مدرنیت تمام با دم عرفانی و تجربه‌های صوبانه، مسیر شعر پیش از خود را به راهی تازه هدایت می‌کند.

**شعر سنایی تصویرگر نوع چه جامه‌ای است؟**

## سنایی دو همه انواع شعری حال و هوای تازه وارد می‌کند



سنایی در غزنین متولد شد و اگر سال تولدش را ۴۹۷ هجری، باید گویم که هنگام تولدش نزدیک به ۵۰سال از وفات محمود غزنوی و شکوه دربار وی گذشته بود، اما دربار غزنین، دوره غزنوی دوم را تجربه می‌کرد و هنوز پادشاه‌های حکومت غزنوی در غزنین حاکم بودند. پادشاهانی چون بهرام‌شاه که سنایی حلیقه را به وی تقدیم می‌کند، انواع شعر و شاعری در روزگار وی به نبود، اما آنچه در سطح و پهن متوسط جامعه می‌گذشت، پندمان خوشایند نیست. از حکایت‌ها و تشبیه‌های سنایی در حلیقه و اشارات وی در فضیله‌برمی‌آید که وی در میان مردم می‌زیسته که اعتقادشان نسبت به جن و ست و اجنلات، مست شده است و شعر عرفانی سنایی فراغ‌عزایی به همه این دسته‌ها و

مسائل، دهقان، حواصه، نظام، بازاری و زاهد، عالم و صوفی است. در قصیده مسلمانان مسلمانان! مسلمانان! سنایی / او این آیین بی دینان پشیمانی پشیمانی مسلمانان! کتون اسمی است بر حرفی و عذایی! ادربغا کوسلمانی درینا کونو مسلمانی؟

سنایی به همه این گروه‌ها می‌نهد آینه‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد.

**تصویر آلبیس در آثار سنایی چگونه است؟**

تصویر آلبیس در دیوان همان تصویر قرآنی آن است. یعنی قرشته مغرب در ده که از محمود در آدم بریزد و گرد از امر خاسر پیچد. اذ انفا للبلایه که الجحد الامم فسخدا الالابیس ای و استکنم من الکاتبین. به سنایی دربار لغت جابر لالیس الن علیک العله فی بوم الدین می‌گوید. نه بدان لغت است بر آلبیس

بل بدان لغت است کالدر دین
علم دلد به علم کند کار
در مورد ارائه شدن آلبیس از بهشت می‌گوید:
از وفای ادبیس بر رفت از زمین بر آسمان
از خلاف آلبیس در رفت از بهشت اقدر سفر
عها حضور یک غزل در دیوان سنایی هست که مخرج از موضوعات قرآنی است و به آراء صلاح و عین القضاة و ابوالقاسم کرکانی نزدیک است و آن غزل با مطلع:

باو دم به مهروز مودت گنگه بود

سمرع عشق را دل من آشیانه بود

که در طی این غزل سنایی از زبان آلبیس سیر می‌کند و

مجهوری ادرا که روزی معلم مکتوب بوده و اکنون هدف لغت جلودانه

است به زیباترین زبانی بیان می‌دارد. این غزل به گواهی دکتر شفیعی

کدکنی در مقاله ستایش آلبیس یکی از زیباترین غزل‌های سراسر تاریخ ادب فارسی به حساب می‌آید.

**سنایی به چه نوع مرثی می‌مقتد است؟**

به نظر کل سنایی در آثارش ستایشگر مرگ است. مرگ در دیدگاه او بستان و دین است، بل وصال است. حقیقت زندگی است.

به بستان مرگ آی تا زنده گردی

بسوز این کزنده زنده باشانی

یا
بدان عالم پاک مرگت رساند

که مرگ عالم جان‌ها نو ناید

از این کلبه جیفه مرگ اریهاند.

که مرگ است سرپامه زندگانی

مغز او در مرگ در اشعار سنایی هم اوج اولش است و هم مرگ

اروی از آن نوع که در حلیقه‌ی سوال‌الله وارد شد که موع‌وقیل آن نموده‌اند

و در شعر سنایی با تعبیر مرگ از سه بیان شده است

ببیر ای حکیم از چنین زندگانی

از این زندگانی چه‌ومردی بمانی

یا

بسیود از چنین جانی

گزیار در چنان جان‌ها نو ناید

مسلمانی

بایست مشهور:

ببیر ای دوست پیش از مرگ اگر می‌خواهی

که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما

اما حال محرم هم در شعر سنایی ستایش شده است. مهندگنونه که

عده زبانی از عرفا از آن استقبال کرده‌اند.

مرگ در حلیه‌الاولیا می‌آید من اعلام التوشو حب الموت و یا

جمله اولادده، صحنی معروف پیامبر که گفته است: احب الموت لشیقا

فی روی

هم در حلیقه اجل را کلبه روید و دین و ختله را زمی‌اند.

اجل آمد حلیه خلد و راو

در دین بی‌اجل نگردد باز

در باب ارج نهادن به مقام انسان سنایی از چه کسی برداشت کرده

و آیا این ارزشگذاری بر انسان یا تفکر شعری او مغایرت ندارد؟

قرن ۱۰ را در ایران دوران طلایی خردگرایی و رنسانس اسلامی

نماید. دوره‌ای که با تسلط فلسفه و خردوری آوند به علوم طبیعی

و اقتصاد و جوهر انسانی و ایمان نه ارزش‌های او شکل گرفت و نوع

اومانیسم پدید آمد. وقتی عنصر صوری می‌گوید، تو از بخاری جهان خوشی!

از گوهر تو به گوهر نیستند.

مردمی می‌شود و مسلمانان آثار علم، شعر، ادب و هنر نامر خسرو و این سبأ

و ابوحیان آشنایده است. وی وقتی انسان را خواصه خرد مینماید و این

خردمندی را عقلی می‌داند و به ارزش انسان اشاره می‌کند.

ابودت خواصه خرد می‌داند

پس تو خود را عالم بد کرده

یا می‌گوید از خرد خواصه شو که سنگ بد کردی

لعل شد زید دامن خردبید

به کیبایی وجود انسان که خرد است اشاره می‌کند و آن را مایه

تبدیل به حسین و سیدنا و کمال و چه‌ومی‌باشد. البته دیدگاه سنایی در

این موارد از راه‌نمای‌ها و اهل اختیار رنگین می‌شود و به هر حال گرفتار

کلامی سنایی را هم نمی‌توان کالبدشعری دانست. در بعضی موارد از راه

فلسفی و کلامی وی به آراء اهل الصفا پیامت بیشتر دارد.

**دلیل مسافرت‌های پایلی سنایی چه بوده؟**

سفر تکرمی از بهر پیشی

اگر بدنبی ده در حضره به ماضحرم

دلیل مسافرت‌های سنایی زیاده‌های وی است و اینکه در وطن

راهی برای بر آوردن حاجاتش نمی‌پندید و این عقیده را هم مشوق دیگر

وی به سفر است که خود می‌گوید:

قدر مردم سفر بدید آرد

چون به سگ اندرون بود گوهر

کس نداند که قینش چند است

**تا چه اندازه سرزمین ایران برای سنایی ارزشمند بوده است**

چیزی به نام وطن، مبین و ایران و ایرانی بودن برای او اهمیت

ندارد. در کل دیوان وی تنها سه بار واژه ایران می‌آید و آن هم در

ترکیب‌بندی که در مدح ایران شده است که می‌گوید:

تا در ایران خواصه باید خواصه ایران شاه باد

حکیم او چون آسمان بر اهل ایران شاه باد

روانه مهبین هم اصل او در شعریست شایسته و تکبیر و دوا وطن هم به

معنی امروزی آن نیست و اغلب به وطن، مایلف و عالم علوی

است.

**با توجه به اینکه سیر المبادی یک از سفر گنونه است جایگاه سفر در ادبیات**

**را چگونه تبیین می‌کنید؟**

در مباحث ادبیات تطبیقی که در سال ۱۳۸۱ در دانشگاه تهران با

غزلان سفر از نظر ادبیات جهان برآند شد. مقاله‌ای درباره اهمیت سفر

در ادبیات توضیح مفصلی داده‌ام و آنجا در مورد انواع سفرها در ادب

فارسی و ادب غربی مطالعه‌ای تفصیلی انجام داده‌ام. موضوع سربلگی



جشنوارهٔ شعر و ادب فارسی، ۲۹ فروردین ۱۳۸۳

جشنوارهٔ شعر و ادب فارسی، ۲۹ فروردین ۱۳۸۳



از شیرینگ اصلی ادبیات داستانی جهان است و در انواع ادبیات داستانی دیده می‌شود. پهنی جسم از آن سفزانه هاست. زمان‌های تخیلی، زمان‌های جریان باین ذهن و داستان‌های سفر روحانی نمونه‌های برجسته‌ای از ادبیات سفر است.

نمونه‌های آیین با زمینه سفر روحانی در ادبیات فارسی از همه بیشتر و جذاب‌تر است. رسالهٔ الظرفها همه در سبتر یک سفر شکل می‌گیرد. رساله‌های زمزمی این سیاه‌سهروردی در طی سفری روحانی نوشته می‌شوند و داستان ازبوره‌ها از عوین ذهنی زرتشتی تا ماجرای سفری است به دوزخ، برزخ و بهشت و در طی این سفر ازبوره‌ها به همراه سرش از آن طبقات مختلف دوزخ و بهشت می‌گذرد و به دیدار خداوند در گزوهٔ میان می‌آید.

**سیرالمیاد یا گندمی الهی چه شایشی بود در سفر به عالم روحانی چه چیزی ستایی را نسبت به پاته هوشه می‌کند؟**

در گندمی الهی هاتم هم که در حدود اوایل قرن ۱۱هجرى (میل) سال‌ها بعد از انتشار داستان‌هایی چون اوردیورافنامه و سیرالمیاد و رساله‌های زمزمی سهروردی و این سیاه‌نمونه‌ها نوشته می‌شود ما شاهد سلوک دانه در طریق دوزخ و برزخ و بهشت هستیم. دانه در مرحله دوزخ و برزخ را به اضمحالی ویزیل و بهشت راه به راهمیلی بناموس طی می‌کند. طبقات دوزخ و بهشت اشکات بسیاری با طبقات داستان اوردیورافنامه دارد انواع شکسته‌ها و غایب‌هایی که در داستان اوردیوراف ناموجود است غایب از گندمی الهی دیده می‌شود. زمینه داستان کاتب سیرالمیادمن (المیادالی المعانی) همگانه که از عنوان کتاب برمی آید سفر و سلوک سالک (موسمانی) به راهمیلی بر (مقل) (مقل) به سواد است. در این مراحل وی از دوزخ و برزخ می‌گذرد و دربشت باطلانه دیدار می‌کند و سیرسلوک در این کتاب‌ها همه چه شبیه است. همبظور استمداد آریز و با فرشته‌ای چون سروش آذر در اوردیورافنامه یا پیروی چون ویزیل در گندمی الهی شایعت بسیاری با داستان سیرالمیاداز همه بهتر است. موسوم سفر روحانی هست. موضوع آن از دوحه به در آمدن و به خوشتر راستین هوش است. باقی است که در میان مرحله دیدار حق و تخیلی وی پرچشم و دل سالک بیاید. شوما اما اینکه تکلیفون در مقاله‌ای در حله یادگار نوشت که ستای پیرو هاتم است. شاید مربوط به شایعت سیران متن آیهاست و اینکه مدعاها بگت شده‌اند منبع اصلی چون مراجع گفته‌ها در تدوین گندمی الهی استفاده کرده است. آسین آلاسوس هم در کتابی درباره خواندن سیرالمیاد در این کتاب بود که شاید آثار ستایی هم از طریق ترجمه به دست داده رسیده باشد.

با توجه به اینکه شعر ستایی از آثار برجسته ادبیات است چرا امروزه **ایقان چغتایی** به آن شعر گویند؟
ایقان یعنی ویایی از اول حقیقه را خواندم این‌گونه است که از ابروان خوب می‌شماست.تجرب کردم منظومه تعلیمی باهر و بهیهای سیرابو و در اصطلاحات فلسفی و کلامی خصوصاً در اصول قول که به خواننده آهانه و رسیدن به فصول بعدی نامی دهد.
ورود ایقان الحاقی سیرابو در نصیح تن مدرس رضوی و عدم ترتیب درست آن هم البته بخیر بر علت اولی در امر اول گفته از اینکه از خواندن سیرابو از بخش‌های حقیقه و واقعاتی می‌برم باید گویم که با آشنایی با قصیده و غزل وی بر من آشکار شده که ستایی چه حتی بزرگی بر کردم.
ابتد فارسی داد و بچگونگی همان بزرگی چون عطار و مولوی و حافظ و سعدی و خاقانی و سهروردی بوده‌اند. به قول غزل‌نویستی ستایی در چهارده غزل در سری اسیده است و چهارم پنج غزل قلندرانده مقاله‌ها، عشاقه و مقاله عاشقانه با دست راست و دست چپ غزلیات ستایی غزلیاتی

### موروی بر منابع فکری ستایی

در نظر شاعران کلاسیک، شعر پیش از آنکه هدف باشد وسیله و ابزاری بوده در خدمت افراشی دیگر شناخت و بازیافت منابع غنایه فکری شاعرانی که از شعر و در خدمت اهداف تعلالی بهره برده‌اند. کلاسیک سیر سلطیم وفاق این یادداشت ضروری است بر منابع فکری ستایی که از شاعران برجسته کلاسیک مااست.
اندیشه حقیقه ستایی از چند منبع اصلی تغذیه شده است.

##### منابع دیدنی

متن دین، اتم از قرآن و حدیث و سنت و پیامبر.

اندیشه شعری از این عوین پیش از همه درخور بوده است. اگر نگاهای به شئی حقیقه‌القیفیه او یکنیم در هر صفحه به چندین مضمون قرآنی با حدیثی برسی خوریم این موضوع فقط به حقیقه خلاصه نشده بلکه علاوه بر آن، قصاید بیانی، عرفانی و اخلاقی دیوان و بیغه آثار او سرشار از مضامینی است که روشه در قرآن و حدیث دارد. همین استفاده گزافان از آیات و احادیث است که شعر او را به شرح سیرابو نزدیک کرده چنانکه اگر شعر ستایی را شعر عوین بداییم به خطا نرفته ایم.

سأ بکت دینی که شامل شرح و بسط متن دین است.

داره این منابع سیرابو است؛ از کتب تفسیر قرآن گرفته تا کتابهای اخلاق و فقه که کتاب‌های تعلیمی- آموزشی علوم اسلامی را شامل می‌شود مرحوم مدرس رضوی هم در مقدمه حقیقه آورده است.
بالا حقیقه پیاداست که حکیم ستایی از علوم اسلامی خصوصاً تفسیر و حدیث و فقه و حکمت و عرفان و منطق و کلام و تاریخ و نجوم و طب، افلاخ کامل دانته و بر رموز هر یک به خوبی واقف بوده است. آثار سجده عرفانی قطعا یکی از اصلی‌ترین منابع تغذیه فکری دوست.

**آثار عرفانی**
هرچنان پیش از ستایی از شعر عرفانی مهمی نبوده است اما از جمله امهات کتابهای عرفانی به نظر آناری است که پیش از ستایی نوشته شده و واقعات آنها تا باین پایه فته است. شرح نعر کلابادی کشف الاسرار میدی، التبع فی التصوف، انصراف سراج، مسموع العشق احمد غزالی و رساله قصصیه، آناری هسته که بسیار مورد استفاده حکیم ستایی بوده‌اند.

**آثار علمی- فلسفی**
ستایی یکی از بزرگترین دانشمندان روزگار خود در حکمت و فلسفه بوده و از کتاب فاشو قانون بوسطن در آثارش باه می‌کند و از اصطلاحات فلسفی نظیر **کل نفس کل نفس**، **عین و صورت** و **ماه و ماهویات** استفاده کرده‌است و زی‌ساخت جهان‌شناسی او آثار زیاده‌های حکماتی اسلامی است.

**منابع داستانی**
**تاریخچه**
اندک‌تر های داستانی ستایی، اما در سیه چه داستان‌ها و قصص قرآنی است و گاه از داستان‌های پیامبران هم می‌و داستان‌های اوره داستان‌های تاریخی است.
تاریخچه
اندک‌تر های ستایش از آشنایی او با این کلیل موضوعات دارد و او با شاهنامه فردوسی آشنایی داشته است.نگاره و شاهنامه و اشارت‌های داستانی آن اخلاقی- عرفانی است نه حماسی. در منبع داستانی را در کارخانه حافظه‌اش ذوب کرده سپس با طرح و تکنلی او رانه آنها را می‌دهد.

**سنت عرفانی**
**غزلیت**
هرچند غزلیت به حدیثی است که منبع داستانی را در کارخانه حافظه‌اش ذوب کرده سپس با طرح و تکنلی او رانه آنها را می‌دهد. **سنت** فردی و قومی مردم ایران آینه زنده است. حضور ووظائف و شکل و لفظ که در روزگار ستایی رویت سیرابی ستایی وانه از این فرهنگ‌هاست. به خوبی بهره گرفته است. صوفیان هم از جمله عوامل پیشرفت این فرهنگ بودند و به نظر می‌رسد مهم‌ترین منبع فکری ستایی هم آموزش‌های بوده که سنت‌ها از طریق همین گروه‌ها به او می‌رسیده.

### حکیم ستایی

## از نگاه ۱۷شاعر و محقق معاصر



ایران است که جایگاهش در شعر کلاسیک فارسی شناخته شده، **کاری که رضوی و دشیمی گندمی روی آثار ستایی کرده بلند رانگشاست؟**

کاری که شعری در مردمانی کرده و کارهای بزرگی هم در مورد دیگر شاعران انجام داده، بسیار مورد علاقه من است. از دیدگاه من بیشترین سیرابی بارش است. منتهای تصحیح متن غیر از کار پژوهشی است.

اول باید یک متن صحیح و کامل از شاعر و نویسنده در دست باشد. بعد بداییم در مورد آن فرد و آثارش کار کنیم و قصوات کنیم یعنی هر مرحله لازم است. اول باید تمام و لااگان آثارش را به همان صورت که مذ نظر شاعر بوده پیدا کرد. بعد در مرحله دوم معنای تمام جملات و کلمات آثارش متعین شود. مرحله سوم دیگر واقعه معتقطن علی شعری گندمی است که به نحوه و تحلیلی آثار شاعر بریزد. آثار ستایی می‌تواند از زوایای مختلفی مورد مطالعه قرار بگیرد.

### محمدرشن

ستایی در شعر عرفانی اگر بگفته نیست کم ماندن است چنانکه از آموزش‌های ستایی دیده می‌شود. باید او، آدم، دانش آشکارگان با فرهنگ روزگار خود بود. گویا به کار تعلیم و آموزش بزرگ‌آرندگان عصر خود اشتغال داشته ستایی هم از چنین متکسلی برآمد و در سفرهایی که به بلخ و سرخس و هرات و نیشابور داشت، از ادب فارسی و تازی، فقه و حدیث و تفسیر و پزشکی و اخترشناری از محضر بزرگان علم برخوردار می‌باشد.

ستایی آغازشاعری با پیروی از برخی و منوجهی و عنصری آغاز کرده است که در این راه بازمی‌ماند. شاعری بزر از عمری و مخدای نویده‌اند آن آلسنه که از برخورد ستایی با ادبای شاعر

استخذه ادب‌گویی درگزینی احوال و اندیشه ستایی. ستایی شاعری مدینه‌سراه که البته تا باین عصر به یک معنی از آن درنگشته. لابد

دوستی مختص العین کتیم.

گرد و صمدق و دوستی بهم

خیزان بهمی بر من در رحمت دل

و یک کرد دست جلمه جانم نظر!

دوستی از برای آشنایی خاطر ستایی خدای می‌سازد تا بسوره خاطر بشیند و حقیقه‌القیفیه را به پایان برآورد این آغازین منظومه

دلپذیر عرفانی بدین سان باید آمد. این سخن ستایی در بازگویی از اثر خود هیچ مانعه نیست.

زین سبب می‌توانست سخن را نماند است. گویا زبانه این خواننده تا ناگاه کرده‌ام چنین شعری استل این کتب غنایه در شعری

زین تکوین سخن نگویید کس تا نا حشر این سخن جهان را بس—

کس رنگت این چنین سخن به جهان‌اوس کس گفت گویا بخوان براستی جز این نیست! حقیقه‌القیفیه در زبان فارسی

می‌هنست؛ با تکریم و ستایش از شئی. خداوندگار مولود، آن

شئی است و این حلیقه— و هر یک متمم آن دیگری.

چیرگی ستایی در سخن دلفانی و دانش او در علوم و فنون، و

سیر او و سلوک او در عرفان که اگر در عمل هم نبود، در اندیشه

ستایی بود؛ این است که ما از گنجینه‌های بی‌بدلی و بیه‌رویییم؛ با

چیردستی ستایی در کلام، و الاصل اندیشه و باور عرفانی او

جای سخن در شئری سیرالمیاد. الی المعاد مجال گشوده

می‌خواند که رنگ گرام نیست.

آدمی گرچه بر زلمه مهست از آدمی خام دیو بیخه هست

نیست جسمی مگر کم اندر کم اپرون در رویان خم اندر خم

در زمانه هر چه جانورست تا نشد بخت آدمی بترست

### فکر نامرغرامستوده

ای در دل مشتاقان از عشق تو سستبنا

ستایی، چگونه با گنگامی؟

برسی‌اند؛ چرا ستایی با آنکه در شاعری از سیرابی از شعری

فارسی زبان فوینر است و روز در جمعه ماچندان شناخته نیست و به

تعبری غریب و مطلق افاده است. من نظر من در برابر باید گفت که

ستایی جانم هم‌شامل نیست زی‌ارکسی نیست که حداقل خصیصیات

دیرستانی داشته باشد و تحجیمه معروف او را با مطلع،

ملکنا ذکر تو گویم که تو یاقلی و خدایی

نرم‌خیز به همان ره که تو نامم از آنی

نخردند و با سینه‌اید باشت تا آخرین بیت آن که گوید،

تسه و بدانان ستایی همه تریجه تو گوید.

مگر از آئین دوزخ بدش روی و دلی

شعاری هم از ستایی در شعر گنجد تحصیل کرده‌گان فارسی زبان

هست مانند

یافت می‌شود که به نظر من از سیرابی جهات مغز سلعدی و عطار و شیرگان بزرگی دارد. دلیل عدم اقبال به شعری بی‌ارزشی با گنجهایی آثار وی نیست بلکه عدم معرفی دوست او و شعرش از طرف متولیان ادب فارسی است که عدم شناخت وی را از طرف عامه قلم در پی دارد. حقیقت این است که مادر ادب فارسی از جویرابی ملی سرشار شعری خویزها که با جوشش خود، مایه خرویش و لایطم آنها فراهم می‌گرد

راه پیدا نکردیم و آن را نتوانیم

با توجه به تصحیح مرحوم مدرس رضوی از **حدیقه چه نیازی به تصحیح مجدد این اثر اساسی کرده‌ا؟**

از تصحیح مرحوم مدرس رضوی ۵۰سال گذشته است و ایشان شیوه علمی مشخصی از برای تصحیح به کار نبرده‌اند. کاری که ایشان انجام داده‌اند و خوشان هم در مقدمه کتاب نوشته‌اند جمع آوری همه آیات منسوب به ستایی است. ایشان ده، دوازده نسخه داشته‌اند و قدیمی‌ترین نسخه‌شان که نسخه امام هم بود، نسخه ملک‌الشعراء پهل است که در سال ۱۷۵۸ کتبت شده و با توجه به اینکه ستایی در سال ۵۹۴ به گزوه یادداشتی که بر نسخه کامل است از نیازه‌ها نسخه ایشان خود کرده است. سال بعد کتبت شده است. البته نسخه خویز است و بی‌یادگیری صورت‌های قدیمی شعر ستایی نیست و این باعث شده که ایشان چیزی وی‌هایی در تصحیح متن حقیقه داشته باشند. اما آنچه اساسنامه در تصحیح مرحوم رضوی را می‌داند این است که ایشان به دلخواه خودشان بعضی حکایات را اجابه‌ما کرده‌اند و چنین کاری در تصحیح نباید صورت بگیرد مگر با دلایل محکم و همه‌با ذکر این تغییرات در مقدمه بچراکه این کار فزنی است و با شیوه‌های علمی تصحیح همچونی ندارد. البته همان‌طور که مرحوم مدرس رضوی حلیقه را منتشر کرده و نیز مقاله‌هایی نوشت و این تصحیح را نقد کرده‌گفت این تصحیح بنیاد



### به طور کلی ستایی در

### ان تارش ستایشگر مگر است.

### مرک در دیدگاه او بیستان و

### باغ استیل وصال است.

### حقیقت زندگانی است

علمی ندارد و در آن نسخه بدل‌ها مشخص نیست و ایراداتی بر تصحیح

مرحوم مدرس گرفته. البته ۵۰سال پیش که ما هیچ نسخه چلی معتبری از حدیقه نمانستیم همین تصحیح هم قسطنط بود ولی این کتاب هیچ نوع

روایت علمی را در سری نماند. سری نیز در اساس آن درباره حقیقه قصوات کرد و در قلم‌نویستی بعضی راجع به غزلیات ستایی می‌گرم شده سیرابی از غزلیات قلندری که از غزلیات ناب ستایی است و در نسخه کامل هم

آمده در تصحیح ایشان نیست و با این وضع باید تمامی آثار ستایی مجدداً تصحیح شود.

**قصه تاریخی شئری‌های دیگر ستایی را تصحیح کنید؟**

نمی‌توانم، اما اگر بخوام تصحیح کنم دوست دارم قصاید ستایی را تصحیح کنم. اثر دیرین و واقعاتی من همینه جالب بوده و او در تمام عمرش همین یک کتاب را نوشته ولی همین کتاب او مرجع تمام ستایی‌شناسان جهان قرار گرفته است. من هم زیاد به شرح اخلاق نگار و مکر می‌کنم. تصحیح در کاری از وقت گذاشتن روی کارهای مختلف خیلی بهتر است. الا آن‌مکر می‌کنم اگر حلیقه جالب بود مردم

بازوی آن کار خواهم کرد، چون فکر می‌کنم هر روز حرف‌های بیشتری دارم که می‌توانم بگویم.

## حکیم سنایی

از نگاه

۱۷ شاعر

و محقق معاصر

ابهی دید اشتری به چرا
گفت غنچه همه کز است چرا
بآن قصیده بلند و معروف با مطلع:
مکن در جسم و جان منزل که این خون است آن والا
قدم زین هر دو بیرون نه به اینجا باشی و نه آنجا

استاد فقید، مدرس رضوی در مقدمه کتاب حقیقه در این باره چنین آورده‌اند که «کتاب حقیقه در تمام متمدن تأثیر کرده و در ادبیات جهان نیز مقام شایع و برجسته‌ای را احراز نموده و قسمتی از آن به زبان انگلیسی ترجمه شده است.»

سنایی در زمان حیات خود از حیث علم و دانش و شعر و شاعری شهرتی تمام داشته و شاعران و اعلام پس از وی او را مقدا و پشواوی می‌دو دانسته‌اند. این بیت مولوی دربارهٔ سنایی معروف همگان است:

عطار روح بود و سنایی در جسم او

شعرا ی دیگری که عده آنها بسیار است مانند خاقانی و سنائی

غزوی و سید حسن اشرف و غیره باید معتقد بوده و او را ستوده‌اند. بسیاری از محققان در شرح حال سنایی آورده‌اند که سنایی علاوه بر پنج کامل در زبان فارسی از معارف و علوم اسلامی خصوصاً علوم ادبی و تفسیری و فقه و حکمت و عرفان و منطق و کلام و تاریخ و نجوم و طب اطلاع کامل داشته و به رموز هر یک به خوبی واقف بوده است.

اگر به تعداد و تنوع دانش‌های سنایی توجه شود به‌ویژه که در شرح حال او تأکید گردانده که به رموز قوی هر یک از این دانش‌ها به خوبی واقف بوده‌ان، این نکته آشکار می‌شود که شعر سنایی نمی‌تواند از تأثیر زبان و اصطلاحات این علوم برگزیده بوده باشد. این مسئله در همین ستمی از سنایی است:

هر چه دانستم از نوع علوم

گردم جمله خلق را معلوم

بنابر این کسی می‌تواند شعر سنایی را به خوبی بفهمد که حداقل با چند دانش لیسته به علوم ادبی آشنایی داشته باشد.

می‌دانیم که یکی از عوامل ظهور سبک عرفی را ورود اصطلاحات علمی توسط شاعرانی که از علوم زمان خود آگاه بوده‌اند در شعر می‌دانند. به همین علت سنائی در ردی و زبده‌اشم بیان شعر سبک عرفانی را در ترجمه خود نشان معمول را به سبک‌های عرفانی و هندی می‌بخشد. و این می‌تواند یکی از جهات عدم شناخت جمله ما با شعر سنایی باشد.

و از همین روست که استاد فقید مدرس رضوی در مقدمه کتاب حقیقه‌الحقیقه چنین آورده است:

طراوت الفاظ و رویت عراش (سنایی) معانی خشک و دقیق و

محقق عرفانی و ضروف را لب داده و ذکر داستان‌های شیرین و حکایات

لذیذش فها آورخته و از ملامت خاطر بازمی‌دارد.

معلوم است باین حال فهم معانی اشعار این کتاب (حقیقه) به سهولت

میسر نیست و خواننده یورده بر سر معنی آن واقف نگردد مگر آنکه به معارف اسلامی مانند علم فقه و تفسیر و حکمت و آثار و ائمال و حکم و

کلمات صوفیه و اصطلاحات علوم و واقف باشد.

و اما دلیل دیگری که موجب عدم شناخت سنایی شده همان است که به مظلومیت شیعه می‌رود می‌شود و در این زمینه نیز در نوشته استاد فقید مدرس رضوی می‌خوانیم که:

سنایی پس از نظم کتاب حقیقه و انتشار آن با مخالفت جمعی از علمای طهار و فقهایی هر وجه گشت چه در این کتاب در ضمن بیان عقاید خویش علاوه بر علوی که در دستن آن علی نموده دشمنی با آل یوسفیان و تبری از معاویه به رأی و قیاس را که مخالف آل او عقاید عامه مردم آن زمان بود اظهار کرده و به این سبب دشمنی ظاهر بازار او در مخالفت درآمده و با او دشمن گردیده و کتاب او را کتاب خال شمرده و مخالفت پیدا کرده‌اندگان آن آثار ظلمی را فرستاد و در انتحاب متن در شهرت او مداخلات نمود. روحی سنایی و گریش او از امور دنیوی به عرفان و امور معنوی داناتی کلمات دارد که اکثر پژوهش‌گان ادبی آن داستان را در نوشته‌های خود آورده‌اند که خلاصه آن چنین است.

اسطغان: در فصل رزمناش به عریضت گرفتن بعضی از دیار کفار از غزنین بیرون آمده بود و سنایی در مدح وی قصیده‌ای گفته بود. در وقت تا به عرض رساند، به در گفتن رسید که یکی از مدعیان که از حد تکلف بیرون رفته و مشهور بود به لای خوار زبیرا که پورسته لای شراب خوردی جز جایبورد.

سنایی از این شنید که لای خوار با سنایی عود می‌گفت که بر کن فدی می‌گویی. سعید کشتیکی تاخورد با سنایی گفت محمود مرید غازی است و پادشاه اسلام گفت پس مرید نباشندو است. آنچه در تحت حکم وی درآمده است در حیطه نه واروده می‌رود تا مملکت دیگر بگیرد یک فتح گرفت و بخورد بازگفت بر کن فدی دیگر به گوری سائیک شاعر اسامی گفت سنایی مرید قاضی و لطیف طبع

### سبأ و اسامی

**نگاه حکیم سنایی شاعر قرن پنجم و ششم هجری به اسانه، زندگی و مرگ با فاضلی در فضایی حاکم بر دوران زندگی شعری و حکمت‌آمیزی وی ماحصل گفت‌وگویی ما با دکتر مریم مشرفه است که در پی می‌آید.**

**آیا علت برتری شعر سنایی نسبت به معاصرانش را باید در امری جست‌وجو کرد؟**

تواوری و نوع آوری است. بدین معنی که سنایی یک نوع خاص را در نظم فارسی ایجاد کرد که آنه منظوم ادب تعلیمی صوفیه است. پیش از آن ادبیات صوفیه در نثر به رشد قابل توجهی رسیده بود ولی تئوری صوفی را سنایی وارد شعر کرد و برای این منظور از آمیزش شعر و دلهای شاعران پیش از خود به سنگ بناهای نیز دست یافت که سر آغاز یک حرکت جا جدید در شعر فارسی به شمار می‌رود. سنایی ظرفیت‌های مختلف کلمات را برای بیان مفاسد حکمی- عرفانی به کار گرفت و از این منظر به افزایش ظرفیت واژگان نظم کتبک شیخان توجه کرد.

علاوه بر این، سنایی سنایی شد با آمیزش موضوعات دینی و غیردینی، غزل عرفانی را بوجود آورد.

عشق تو بر بود من مایه مای و می خودنیز خویش تو را چاره زبی خویشی

دست کسی بر نرسد به شایح هویت تو تا رنگت او ز بیخ وین بر نکنی



جان مرا هست کنی، مست جو بر من گذری
مقل مرا بست کنی زلف چو در هم کشی
راست که دیوانه شوم، بند مرا بر گسلی
باز چو هشیار شوم، سلسله در هم فکلی

چند کتبی جان مرا در طبع می‌فکمی
خدا زنی عقل مرا از حزن بی حزنی
باز رهان جان مرا از ابروی و اعرسی
چون تو بیایی بورد هم دل و هم تن زوم
دل که بود تو فانی؟ آن که بود تا نوترسی
از من و من سیر شدم بر در تو زانگه همی

من چو پیامی تو نه، من چو نشانم تو نمی
ملاحظه می‌شود که شاعر هشیارانه و دقیق در سبز غزل عاشقانه مغایره عرفانی را بنیاده و پیام گرفتار کلماتی چون زلف و رخ و دست و دیوانه و دل و مانند آن از زبان سنت لغوی، تجارب عرفانی چون قیبت و حضور و حضور مستگار را بدون گفرتن جسمی وارد شعر کرده است. این زبان آمیزشی در کنار گاه‌های موسیقایی غریب‌انگیز و دیگر فتنده‌ها و فو تا و فن‌های شاعری، بعدها سبزی می‌شود برای بالندگی غزل عرفانی در آثار عطار و مولوی و عرفانی و حافظ و دیگران و دربارهٔ زبان سنایی آنچه باید بدان حتماً توجه شود شالوده‌شکنی در زبان است که به صورت یک سنت ادبی در نثر صوفیه معمول و مرسوم بوده و یک نوع ادبیات اغراضی را به وجود می‌آورد که از مخالفت و سبزی منفی با هنجارهای عادی گفتار به وجود می‌آید.

سویان در مقابل ادیان عبارت، که منطبق عادی گفتار است «دیان آشنایه را قرار دادند که منطبق و زبان خاص جوانان است و از این رهگذر، یعنی ایجاد زبان دینی خاص، به دوستان خود رساندند. اول مخالفت خود مستقیم با ابد، سیاسی و ایجاد یک ائمت دود» در مقابل آن که ریشه‌های را باید در عدالت‌خواهی عرفان و تاجرستانی پیدا کند، آنها از شرایط اجتماعی- سیاسی حاکم در حوزه خلافت اموی- عباسی دانست. دوم شکستن زندان زبان عادی و ایجاد ظرفیت برای معانی تازه از طریق شالوده‌شکنی در زبان، ملامت‌وفقر را به خاموشی می‌گرداند، زیرا قیفر واقعی از نظر آنان است که از خاموشی بی‌نیاز باشد پس کسی که فقیر است در واقع غنی است، زیرا صنعت

## ۱۳۹۳

# سنایی محصول شکوفایی شعر دوره غزنوی است

گفت‌وگو با دکتر مریم مشرف

غنا یعنی بی‌نیازی را با وجود است. همچنین صوفیه غنیت را به حضور معنی می‌کردند. بدین معنی که کسی که از خود و خلق غلب است، حاضر است در بیشتر حق. این غلب در واقع جانی است. همین ترتیب صوفیه بسیاری از مفاهیم را در معنی عکس تاجریف شده به کار برده و برای نشان‌های بیان مبالغه‌های مبالغه‌ای فرار داده. سنایی نیز کار صوفیان را پی گرفت، بی‌نیازی را در دست زبیر هر نیست باشد هست می‌شود

چهل تن تا ز نیست، هست شوی
از شراب خدای مست شوی

با در این پیته

هر که آزاد کرد آنجای است
حلقه در گوش و بند بر پائی است

در ظاهر پارادوکسی وجود دارد. بطور هر کس از آزاد است، بنده است؛ و به صورت ظاهر در ملامت‌های زبان ایجاد اختلال کرده است. با در این بیت که مریم سبزی و گریسنگی را در هم شکسته، ای ز خود سیر گشته، جوع آن است

ای تو تا از ندم تو گنج آن است

سنایی در حد عال توجه خاصی به حروف کلمات دارد و همواره بازی‌های زبانی با حروف کلمات ایجاد می‌کند مثلاً در این بیت:

با لقا هست لب و (تا) هجره

(سبأ) و (ت) است و (ت) بود (لق) الله

حقیقه در گوش و بند بر پائی است

حسبان که جهان و آنچه در آن هست، موجودیت خود را از حق تعالی اخذ می‌کنند ولی مرمان، جهان را چون بت می‌ستایند و از حقان آن غافلند.

همچنین در حوزه نثر نیز سنایی ساختار شکنی‌های بسیار جالبی دارد. بی‌نیازی را در این بیت که مطلع یکی از غزل‌های اوست، از طریق ایجاد خواننده را در تولید معنی مشارکت می‌دهد:

ای راه تو را دلیل فردی

فردی تو و آشنات فردی

از نام تو ده‌ای و عسری
از جام تو فطری‌ام و مردی

و بار دیانت زور

این چه رنگ است بر اینگونه که آمیخته‌ای
این چه شورا است که ناگاه، بر اینگیخته‌ای

خواه‌ام از دیده شده غایب و دیگر به چه صبر؟
تا تو غلب شده‌ای از من و برگیخته‌ای

خوشبختانه گزیده‌ای از زیباترین غزلیات سنایی را استاد شمیم کدکنی چاپ کرده‌اند که حقیقت خوانندگی است.

**مرکز خلافت سنایی در حوزه معنی است یا زبان؟**

در حوزه معنی، اوسمانی و عثمانی‌های موجود در ادبیات، منظر را مورد عارضیت اصلی از حوزه ادبیات است. زیرا منظر، که نشاء شده است، در حوزه ادبیات و معنی، جلدی نیست. ولی همین بخش اختلاف در زبان شعر خودنمایی می‌کنند. به‌ویژه اسامی خاص مغفارت زبان یا یکدیگر رویداد به انتخاب توست است بعضی مثال‌هایش را در بالا آوریم. از این لحاظ همچون کبیک‌گران که شبیهست‌های امروز عمل می‌کند و در این باره اگر یک کتاب هم بگیریم حرفی نگفته‌ایم.

**وضع شعر و شاعری در قرن پنجم چگونه بوده؟**

از نیمه‌های قرن پنجم تا اواخر قرن ششم شعر و شاعری در زبان فارسی مستحرف تحول خاصی می‌شود. به نظر قصیده، بکا، در همه اراغ دیگر مثل غزل، رباعی و غزل شاهان این نواوری هستند. محققان ادبیاتی مثل فروزانفر، نجیب‌الله سفاح، شمیم کدکنی، زین کوب و محققان خارجی مثل برادری آریز، و نزلتی و دوربین که دربارهٔ آثار سنایی تحقیق کرده‌اند به این دوره تقواری و تحول در شعر فارسی اشاره کرده و دلایلی برای آن ذکر کرده‌اند.

فروحات غزویان در حدار او ابرای رسعه زبان فارسی در مقدمه و سبغتری هموار کرد. این دوره دوره گسترش زبان فارسی در اطراف ایران از مدیترانه و آسیای صغیر تا هندوستان است. برخورد فرهنگ‌ها، زمینه را برای خلق قصص‌های تازه مهیا می‌کرد. روح ادبیات صوفی شعر از درباری بودن صحنه آوری و صورت هر چه تری به آن بخشید. غز از مدیعه موضوعات مذهبی نیز تنگ به شعر با غزل از علوم عقلی عصر، فلسفه و کلام و علم نجوم پیچیده‌ای به شعر فارسی گذرده شد. آشنای پیشتر نشان از ادبیات عربی که گنگمن روحیه ملی به اقتضای شرایط عصر، آن را تقویت می‌کرد. قرار گرفتن شاعران در اقلیم‌های جغرافیای تازه چون هندوستان و بسیاری عوامل دیگر، مجموعاً ظهور رنگارنگ و پرتوجه و ادبیات فارسی می‌بخشید. به‌ویژه

<sup>[1]</sup> نوشته ۱۹ فروردین ۱۳۹۳

<sup>[2]</sup> مشرفه ۱۳۹۳



## حکیم سنایی

از نگاه

۱۷ شاعر

و محقق معاصر

بیند میان رودکی در آغاز باسنایی رابطه هست.هر دو فاضلی اند.

این است که می‌شود به گمان من روی آن افکار که میراث سنایی

داریم تجدید نظر کرد.

**نکرمی کتب جای چه پژوهش‌هایی در مورد سنایی ضرورت دارد؟**
ما در مورد چه چیزی کار کرده‌ایم؟سنایی هم یک بخش از آن پژوهش‌های انجام‌شده است. به نظر می‌آید، در مورد سنایی می‌شود از دو جنبه کار کرد. یکی وادارنی سنایی به تفکر پیش از خودش در صورت دیگر وادارنی سنایی به تفکر پیش از خودش در سیرت. یکی پژوهش دیگر که جایش خالی است. این است که چرا

سنایی شاعر به حساب می‌آید؟ و چرا یک مفکر به حساب نمی‌آید؟ آیا چون اندیشه‌هایش را به صورت نظم بیان کرده نباید در ردیف مفکران قرار بگیرد؟

یکی از مشکلات ما این است. سنایی شعر تعلیمی می‌گفت و مخصوصاً هم نظرها، اینها فکراتی دارند که می‌خواهد مطرح کنند. این تفکر فقط صورت منظم دارد. به نظر می‌آید، جای چنین پژوهش‌هایی خالی است.من هم یک‌زمانی راجع به مرگ‌اندیشی در عرفان اسلامی مطلب نوشته بودم. بادم می‌آید سنایی در مورد مرگ‌اندیشی حرف‌هایی در آثارش داشت که با مثال‌های دیگر قابل مقایسه بود. کم‌کم اینکه من مقایسه‌هایی کردم مثلاً این بیت سنایی که می‌گوید:
زادگان گوشه زار جان‌میلون
شاعر و ادیب انگلیسی (۱۹۹۹م) (۱۹۷۰م) گفتنی‌هایی نوشتند (۲۰۰۱)بهشت گمشده اثر جان‌میلون
شاعر و ادیب انگلیسی (۱۹۹۹)اصحاح (لراواج اثر شمس الدین محمد یزدیسری گرماتی
قرن هفتم هجری) و جابوینامه اثر اقبال لاهوری.

در ضمن بررسی این سیر تاریخی به بخشهای مطرح شده درباره ریشه‌های اندیشه و ساختار سیر العمیاد اشاره کرده‌ام است. آنگاه به بررسی شاهنشاهی میان‌سیر العمیاد سنایی با یک اثر مشابه دیگر در ادبیات انگلیسی قرن هفدهم به نام سیر و سلوک اثر (۱۶۷۸) نوشته جان پاتی می‌پردازد. این اثر در ادبیات مسیحی اهمیت خاصی دارد و پس از

انجیل دومین کتاب معتبر مسیحی به شمار می‌رود که به ۱۱۴ زبان ترجمه شده است. دو اثر سیر العمیاد و سیر و سلوک اثر سنی‌اینگه نامشان شبیه به هم است از لحاظ هدف و مقصود و ساختار نیز شاهنشاهی میان‌آن وجود دارد. در این دو اثر می‌ماند جنبه فلسفی غایت‌است و گویای این است که سنایی و پاتی بن بر معنای آن بن مایه

سیر تکامل انسان و سفر معنوی او به جانب کمال را در قالب روایت تمثیلی در عالم‌رویا به تصویر کشیده‌اند. گذار از مراحل مشاوار و رسیدن

به منزلگاه سعادت و حقیقت، شالوده روایت داستانی در هر دو اثر است.

در این مقاله منظومه سیر العمیاد الی المعاد سنایی قرن دوازدهم میلادی و همه آثار مشابه از جمله رمان سیر و سلوک را در ذیل شرح ادبی و اجتماعی به نام «تخیلی ریشه (Allegory of Dream)» یا «سیرت رویا (Dream vision)» شیار آمده‌اند.

با قرار دادن همه این آثار در ذیل ژانر ادبی رمان‌نویسی شاهنشاهی میان آنها امری طبیعی می‌نماید زیرا آثار متعلق به یک گونه ادبی شاهنشاهی بسیار دارند. نکته آخر اینکه جایگاه دو اثر در تاریخ یک ژانر ادبی واحد و روشنفکری بیانی و بلاغی آن دو از طریق مقایسه آنها بهتر نمودار می‌شود.

### محمدقلانرباشی

**جایگاه‌های در ادب فارسی کیست؟**

سنایی شاعر اول قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم است. دوران شاعری او دو بخش دارد:دوران دوم که دوران مهم شاعری اوست:از زمانی آغاز می‌شود که به عرفان پرداخت گرایش یافته و شعر خویش از خدمت تعلیم و تفریح آزاد

صوفیانه قرار داده است.

اهمیت سنایی از آن جهت است که با بدعت‌های او اولین اثر او را در شعر فارسی می‌توان دید. او شاعر اثر است که مفروضهٔ کتب بعد گرفته است پس از سنایی شیوهٔ او در مورد تصفیهٔ راه‌دهد عرفان اصلاح، که خود آن را تجربه و عمل می‌خواند، و غزل، مثنایه و رباعیه و عارفانه و مثنوی‌های عرفانی و اخلاقی از سوی دیگر شاعران مثال‌شد بسیاری از شاعران پس از او تا قرن نهم، مستقیماً بر مضمون‌های جریانی قرار دادند که روی شعر فارسی ایجاد کرد است. نظامی در محرن‌الاسرار، حلقی در فضیلهٔ راه‌دهد عرفان، قطار در سرن‌شوی‌ها و غزل‌های مولوی در مثنوی و غزلات، از جمله شاعران هستند که مستقیم تحت تأثیر سنایی اند و بی‌تأثیری‌های خود از شعر سنایی فرقی شاعرانی چون البرقین اخسیکی و ظهیر قزلباشی و جمال‌الدین عبدالرزاق اخسغنی در سرن‌های پای از تصفیهٔ خود از شعر و مکران، سعدی و حافظ در غزل‌های خود از سنایی قیر‌هایی پذیرفته‌اند. جریانی که سنایی در شعر فارسی ایجاد کرد روح عرفان عقلی و موعظت تاریخی و مسائل اجتماعی در جامعه فارسی‌زبان است. بعد از آن است که شاعرانی چون جلال محمد مستوفی شعر تعلیمی سر بلند، لیکن به شعراں اگر چه تحت تأثیر مستقیم سنایی هستند، نظم‌های جهان‌گیریه هستند که سنایی باقی آن لوحی همراه‌ای، جام جم جم خود را در پیروی از شیوهٔ حلیهٔ سنایی پرداخته است و پس از وی تا دورهٔ معویه کشلی هستند که از حلیهٔ تقلید گرفتند.

سنایی در حوزهٔ فقط و معنی به تعلیمی دست یافته است که توجه کنونی‌سان فارسی را نیز به خود جلب کرده است، به همین سبب در بسیاری از ترفاهی مهم عصر او پارس از آن چون تکیه و عده و مستطابان و راجع‌القدر و بر زبان‌نامه عصر او، آیدت‌هایی از او نقل و عابه نقلی نقل شده است. آنچه در اینجا آمده خود جلی مستوفی می‌خواهد اما آنقدر که باید و پیش‌اش تکیات است.

**جای چه پژوهش‌هایی در مورد سنایی است؟**

محققان فارسی‌زبان ایرانچنان که مقام سنایی در شعر فارسی است در یاد او

تا لحظه تنظیم خبر و انجام کارهای فنی چکیده سخنرانیهای زیر به دست ما رسیده که با اندکی تنطیس از نظر شما گرامیان می‌گذرد.

### دکتر محمود فتوحی

**(دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت‌معلم‌تهران)**
**سیر العمیاد و سیر و سلوک ژانر سفر تخیلی تکامل معنوی انسان سنایی فزونی و جان پاتین**

نویسنده در این جستار نخست اشارتی دارد به سیر تاریخی معلومات نظریی پیرامون منظومه تمثیلی سیر العمیاد سنایی و آثار مشابه آن در ادبیات جهان مانند: از ادوین راف نامه در ادبیات زردشتی قصه معراج پیامبر اسلام رساله جی این پفانل این سبیا رساله الغفران از ابو العلاء معری، شاهام عرب (د ۱۱۹۹-۱۱۷۰م) گفتنی‌هایی نوشتند (۲۰۰۱)بهشت گمشده اثر جان‌میلون
شاعر و ادیب انگلیسی (۱۹۹۹)اصحاح (لراواج اثر شمس الدین محمد یزدیسری گرماتی
قرن هفتم هجری) و جابوینامه اثر اقبال لاهوری.
در ضمن بررسی این سیر تاریخی به بخشهای مطرح شده درباره ریشه‌های اندیشه و ساختار سیر العمیاد اشاره کرده‌ام است. آنگاه به بررسی شاهنشاهی میان‌سیر العمیاد سنایی با یک اثر مشابه دیگر در ادبیات انگلیسی قرن هفدهم به نام سیر و سلوک اثر (۱۶۷۸) نوشته جان پاتی می‌پردازد. این اثر در ادبیات مسیحی اهمیت خاصی دارد و پس از

انجیل دومین کتاب معتبر مسیحی به شمار می‌رود که به ۱۱۴ زبان نامشان شبیه به هم است از لحاظ هدف و مقصود و ساختار نیز شاهنشاهی میان آن وجود دارد. در این دو اثر می‌ماند جنبه فلسفی غایت‌است و گویای این است که سنایی و پاتی بن بر معنای آن بن مایه

سیر تکامل انسان و سفر معنوی او به جانب کمال را در قالب روایت تمثیلی در عالم‌رویا به تصویر کشیده‌اند. گذار از مراحل مشاوار و رسیدن

به منزلگاه سعادت و حقیقت، شالوده روایت داستانی در هر دو اثر است.

در این مقاله منظومه سیر العمیاد الی المعاد سنایی قرن دوازدهم میلادی و همه آثار مشابه از جمله رمان سیر و سلوک را در ذیل شرح ادبی و اجتماعی به نام «تخیلی ریشه (Allegory of Dream)» یا «سیرت رویا (Dream vision)» شیار آمده‌اند.

با قرار دادن همه این آثار در ذیل ژانر ادبی رمان‌نویسی شاهنشاهی میان آنها امری طبیعی می‌نماید زیرا آثار متعلق به یک گونه ادبی شاهنشاهی بسیار دارند. نکته آخر اینکه جایگاه دو اثر در تاریخ یک ژانر ادبی واحد و روشنفکری بیانی و بلاغی آن دو از طریق مقایسه آنها بهتر نمودار می‌شود.

### دکتر مهدی زکاتی

**(استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد)**
**نواآوریهای سناییی در ساخت غزل**

پریش محوری مقاله از این قرار است که تاریکی کار سنایی در سنت شعر سربای فارسی شامل چه مواردی بوده است؟ برای یافتن

پایخ، ابتدا خلاصه ای از ساقهٔ تحقیق در این موضوع ارائه شده است. سپس ناوردهای سنایی در ساخت غزل در ذیل دو عنوان شده است:
شعرهای نماندسازی و نماندپارایی به ترتیب ذیل به بحث گذاشته شده است.

۱) شکردها

الف) دو وجهی کردن ساخت معنای غزل.

ب) ابداع غزل ملامتی - قلندری

ج) بیان شاعرانه تجربه شهرداری

د) تغییر ماهیت عناصر اسطوره ای

۲- نماندسازی و نماند پارایی

الف) خانوادهٔ تنبیهی خاص اجتماعی»

ب) خانوادهٔ اوژان میخانه‌ای»

ج) خانوادهٔ اوژان گمنامی و نماند دینی»

د) خانوادهٔ اوژان گل لوزیکانه»

نویسنده برای هر مقاله شواهد و مثالهای کافی از اشعار سنایی آورده و هر کجا لازم بوده مباحث را به حیث تئوریک تفصیل داده است.

### دکتر اسحاق طغیانی(استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاهاصفهان)

## تنوع صورت و محتوا

## در دیوان سنایی

سنایی شاعر بزرگ و پرمایه ادب پارسی از جمله شاعران برجسته ای است که آثارش از جهات کمیت و کیفیت در خود توجه و بررسی

# چکیده گزیده سخنرانیهای نکوداشت حکیم سنایی

است. از میان آثار این سخنور کم نظیر، کم‌نظیر دیوان اشعار گرانسنگ وی از نظر ادبانه لطافت خاص برخوردار است. از جهت ادبی و فکری و زیبایی و تنوع مضامین مختلف جایگاه ویژه‌اش سبوری دارد.

سروده‌های در قالب قصیده، رباعی، تنگ، ترجیع بند، مسطر، غزل و دیگر آثار مهم سنایی مانند «حلیهٔ العقیقه» و «سیر العمیاد الی المعاد» به‌طور می‌زند. این اثر از جنبهٔ «از نظر نوزاد، نداء ادبیات، گرامی‌های زبانی، کارکرد زبانه، زمینه‌های معنایی و محتوا، مضامین نو و بدیع، بلاغت و شیوه‌های بیان تزیح فوق العاده و چشمگیر دارد.

نگارنده در این جستار، برآاست ضمن اشاره به موضوعات مورد توجه سنایی، صورتها و شیوه‌های مختلف بیان و ارتباط با مخاطب، انواع قالب‌های به کار گرفته‌شده در دیوان و کم و



کیف اجتمالی آنها به بررسی ارزش ادبی دیوان سنایی پردازد و از دیدگاه بلاغت در آن نامل نماید. آنگاه اشعار آن را از جهت کارکردهای کنش‌های ارتباطی خود، سپس نتیجه‌ای از جهت بیان پیام‌های استنادی کتاب می‌گردد. در این مورد، تقاضای جان شرایط مخاطب ماکم خود را در نظر نگارنده، مضمون شاعرانه، تواتر آهنگ، بیانیگی و از حد کمال به نمایش در آورده و به عنوان بخشی از سیر مزبور توجه شاعران بزرگ بعد از خود می‌داند.

### دکتر محمد تقوی

## (استادیار دانشگاه فردوسی مشهد)

## قصه پربانای سنایی

نویسنده در این مقاله سعی می‌کند با مروری بر حکایتهای قصه‌های نقل شده در حدیقه روشن سازد که اهتمام کسی از سوی شاعر صرف صورت‌بندی قصه‌ها شده است و این شاعر معلم به حیات لادلیل مختلف (مانند بهرورداری از ذهن حکمت آموز و حیات زهدآمیز) نخواست با تواتر است در این حوزهٔ پاروری از خود نشان دهد و حکایتهای و قصه‌های اغلب جام و تسبیح و گاه کم ارتباط با مقصود است و جدلیت آنها اندک است. کار او صرفاً نقل و بازنویسی حکایتهای ماحوذ از آثار دیگران بوده است نه باآفرینی آنها. خواننده حدیقه در این اثر وارد دنیای داستانی نمی‌شود تنها باید در پی معنی باشد؛ زیرا شیوهٔ بیان و ساختار آن توجه از ادبی صرف نیست. کسی که بهر نظامی در نظر نگارنده به همین دلیل با وجود شهرت بسیار حدیقه در میان خواص اهل ادب، این کتاب در میان عموم توانسته است چندان جایگاهی پیدا کند.

نویسنده در این مقاله معتقد است که نظر می‌رسد سنایی بیش از دیگران در قصه و داستان صرفاً به عنوان آبروی برای تکیه بر سخن و معنای مورد نظر می‌نگریست و این نکته با آنکه نزد دیگر نویسندگان ادبیات تعلیمی مورد توجه بوده است و اساساً یک سنت ادبی در فرهنگ ما به‌شمار می‌رود (از فردوسی تا مصعب حائری) در عین حال در بعضی آثار ادبی برجستگی بیشتری دارد. خود عامل اقبال خوانندهٔ گان به این صورت بوده است. در حدیقهٔ حدیقه اثر پیشین نقلی از معنای آن است تا آثار بعدی بیانیگی از جمله قصه‌هایزادهٔ قصه گویی سرچشمه آن شیوه از فرهنگ شفاهی به متون ادبی با رفته. اما بتدریج جریانی یافت که این متون شده است. در این مقاله با مرور قصه‌های حدیقه (که داستانهای صرفاً تخیلی و چه داستانهای واقعی تاریخی) در حد مجال و امکان تفاوت دیدگاه و سبک او را با مولانا و دیگران نشان داده‌ام.

### دکتر مریم حسینی

## (استادیار زبان و ادب فارسی دانشگاه الزهرا)

## جایگاه عقل در نظام فکری سنایی

نویسنده مقاله معتقد است یکی از برسامترین و زاویه‌های کتاب

حدیقهٔ حقیقه و شریعهٔ لریقهٔ سنایی (۴۶۱- ۵۲۰ م) و «قارهٔ مقل»،

است. در آثار سنایی کاربرد این واژه همواره با صورت فارسی شده آن یعنی *مهره* نشان از یکی از پراعمیت ترین شیاه‌های فکری در نظام فلسفی وی دارد. اختصاص فعلی در حدیقه به استایش عقل و معقول، و مغول، و آرش و اهمیت عقل در براس بر محسوسات، استفاده از صفات و تشبیهاتی چون ؛ براق خرد، نور خرد، باغ خرد، خواجه خرد، ستایش و بزرگداشت بزرگان دین چون پیامبر اکرم (ص) و خلفای چهارگانه و همچنین یادشاه و بزرگان دیار به صفت عقل، در حدیقه اهمیت عقل و خرد در حدیقه، حکایت‌دار و تحریر نامه را به خردنامه‌ای تبدیل می‌کند. سنایی بر توجه به آرش عقل در نظام آفرینش و طبیعت و توجه به آرای جهان‌الصفاء این سیاه غزالی و گاهی نامی خسرو نبوده است.

اما در همین کتاب حدیقه‌های ایبانی در مذمت و تکوهش

عقل به چشم می‌خورد که خواننده کتاب ممکن است آن را نشان تناقض در نظام فکری شاعر بداند. ایبانی نظیر ؛ عقل آلوده ای بی دیدار /رتی گوی گشته موسی وار

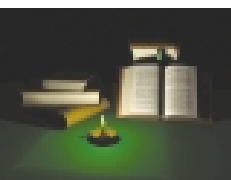
حق پژوهان که راه دل سپردند / عقل را لاشه دیر سپردند. نویسنده معتقد است؛ مجرد این آیات در حدیقه و نظیر آن در دیوان موجب شد تا این بنیاد در ذهن خوانندگان آثار وی شکل گیرد که سنایی نیز چون گروهی از صوفیه برای خرد و عقل ارزش فکالی نبوده هر چه بود گرایی و کلام‌بندی عقلانی را محکوم کرده است. مطالعه عناصر نشان می‌دهد که سنایی نه تنها خردگری نبوده بلکه جانب خردگرایی وی بسیار قوی است و افلاق نام حکیم به وی هم به سبب توجه شاعر به مباحث عقلانی و اهمیت عقل در جهان بینی وی دارد. حکیم سنایی در حدیقه در سه موضع عقل را تباران شده و در مذمت آن سخن رانده است. یک بار در ابتدای حدیقه آنجا که در معرفت و شناخت جن سخن می‌راند، دوم آنکه که به سببایی محمد الهی می‌پروازد از عجزی عقل در برابر چابگه وی می‌گوید.

دیگر آن‌جا که عقل را در برابر عشق قرار می‌دهد و عشق را از عقل

و جان برتر می‌داند.

**دکتر حبیب‌الله عباسی**
**دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم)**
**بیانش تراز یک حکیم سنایی غزنوی**

نویسنده در کتاب «مقالهٔ پژوهش‌ها و آراء در ادبیات سنایی با گسترش از درد» کوشش زیادی نموده و در این کتاب به بررسی و تحقیق و عرفانی اشعار شده است با عبارت دیگر همان دو دینی در هر دو، «برمن» خود الفی ایجاد کند این گسترش اگرچه هرگز او را بدان مقصود نرسانید، اما به تراز یک شاعر و ناخداست. البته این همه، به دلیل ضعف هنر شاعر عرفانی است؛ که باید شعر آن است.
نویسنده، به دلیل سخن اشکار و لفظی نام‌آوردن زندگی در دو سطر، به عنوان اصلی جنبش ادبیات تاریک-عصری حکیم سنایی و احصای ویژگی‌های این نوع انسان است، پس از بحث در بارهٔ چسبندگی بینش و انسان تراژیک، افرازات و قراینی پرشور شده شده که با یکی این همه است. افرازات مانند دو قطعی بودن دیدگاه‌های شاعر، عناق و عشق، تقلیل دیار و



حفاظت، شریعت و طریقت، هر دو عالم غزاه و نیشابور... در پایان به تفصیل از دو نوع مخاطب دریاری و انسانی شعر شاعر که از دیگر امارت‌های تراژیک بودن شاعری می‌تواند باشد، سخن رفته است. همچنین ذکر شده که از ادبیات آینه‌ای آن است که تکرش ها و آسان اینچنین هر دو را منسجم می‌کند؛ از نظر تبلیغی هم گاهی جسمی را با بی‌تایان و هم طره‌های گوناگون اجتماعی را چیرانه می‌کند. به یونان و ارتباط اسرار آرای و انبی و جامعه در سطوح محتوا و ساختار نیز اشاره شده است.

**دکتر محمد عبدالمبین**
**(استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک)**
**پایگاه سنایی در داستان عرفانی**

نویسنده سنایی را پایه‌گذار داستان‌ها فراتر از ادبیات ایرانی می‌داند و معتقد است بینش از سنایی اخوان الصفا و ابوعلی سینا از داستان‌های ساده، تامل‌های فلسفی ارائه کرده بودند و سنایی احتمالاً به تأثیر این داستان‌ها را به این کشانده. به نظر می‌رسد که کتاب کلیله و دمنه مهم‌ترین الگوری سنایی برای ادبایل داستان‌های رایج بین مردم آن دوره بود. در آثار سنایی موحی از توجه به داستان و به

خصوصی نتیجه‌گیری از داستان در ادبیات فارسی دیده می‌شود که تحت تأثیر جریان‌های فکری جامعه است. داستان‌های سنایی دارای ویژگی‌های ادبیات کلاسیک ایران و تا حدودی دنیا است. داستان‌ها بیشتر در قالب‌های قصه، حیوانات (fable) حکایت (tale) و تشبیل (allegory) است. توجه سنایی به این نوع از داستان‌ها بیشتر به افضای محتوا و موضوع آثار است. به دلیل این که پیش از او در کاربرد داستان به این شکل تجربه چندانی وجود نداشته، سنایی بیشتر با پیروی از تجربه خود و سلیقه ادبیش اقدام به نوآوری‌هایی در نقل داستان کرده است. سنایی بیشتر از همه به مخاطب عامی و عمده‌ترین حکم‌کننده و مقصود، اسامیر و نتیجه داستان‌هاست. نوآوری‌های سنایی از قراین خالص پیشگامی درکتب‌های هنری پیروی می‌کند؛ یعنی بعضی از جاها بسیار ارزشمند و هنری و در باره ای از موارد فلسفی و سست به چشم می‌آید. پاره‌ای از داستان‌های سنایی را پیروانش (عطار و مولانا) نیز به نظم درآورده‌اند و ضعف‌های سنایی در این موارد بیشتر بر ملا می‌شود. گرچه فضل تقدم برای او باقی است، نگرار نتیجه، علم تناسب نتیجه یا داستان، غیر معقول سنایی، پراختصاص سست و ... از تارسانی‌هایی است که به بعضی از داستان‌های شاعر راه یافته‌است. عطار و مولانا از روی این تجربه‌ها فرصت یافته‌اند تا تارسانی‌های آثار خود را در این زمینه بر طرف سازند. خالصت‌های فانی فریدی دسترس‌ی به منابع داستانی بکر و سادگی و ریاض و داهت داستانی از عهدهٔ تدابیر لادلیل جذابیت داستان‌های سنایی است.

**دکتر محمدجعفر باحقی**
**(استادریان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد)**
**سبب سنایی پژوهی**

سنایی در تحول غزل و جا بگانه و به عنوان پیشگام در شعر عرفانی و به تبع آن عطار و مولوی سبب شده است که از دربار آثار وادبیشته‌های او در ایران و افغانستان و جز آن مورد توجه باشد. او در دههٔ چهل، برگزاری کنگره جهانی سنایی در کابل به سال ۱۳۵۶

و انتشار کتاب *Of Flery and Poetry* در سال ۱۹۸۳ در لندن به ترتیب در ایران و افغانستان و اروپا توجه محققان را به سنایی و آثار او جلب کرد و مقالات و پژوهش‌های بسیاری را سبب گردید. پس از انقلاب، سلامی مورد توجه قرار گرفت و تدبیرس آثار او در برنامهٔ درسی دانشگاه‌ها جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و در مقابل آن گردیده‌ها و نقد و تحلیل‌های چندین به ویژه از حدیقه و دربارهٔ آن باید باشد. بیان نامه‌های زیادی در مورد آثار سنایی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و آزاد پیدا شد. در سال‌های اخیر کوشش برای چاپ مجدد آثار سنایی با رعایت به ویژه در وین آغاز گردیده و گام‌هایی در این مسیر برداشته شده است.

کتابها و مقالات موضوع این جستجو است.

**دکتر دیدالله جلالی‌بندری**
**(دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیزه)**
**سنایی و غزلبای قلندرانه**

نویسنده معتقد است در مجموعه غزلبای حکیم سنایی با دو دسته غزل ریویزی می‌تیم که تعدادی از آنها عنوان غزلبایات را که عنوانی رایج بوده است، برچورد دارند و تعدادی دیگر عنوان کم نظیر قلندریانته به خود گرفته‌اند.

این تقسیم بندی ظاهر از آن نوع تقسیم بندی‌ها نیست که بعدا گردآورنده اشعار جادو کرده باشد، بلکه باطن قریب به یقین می‌توان سنایی را از یکدیگر جدا کرد، با قلندریات، از جانب خود سنایی صورت گرفته است و شگفت آنکه در دو نسخه قدیمی از دیوان سنایی (نسخه کابل و نسخه ملک) این تقسیم بندی دیده می‌شود و علاوه برآن، ترتیب ذکر غزلبای قلندری (که البته ترتیب الفبای ندارد) در دو نسخه مزبور با یکدیگر مطابقت نراده و این درحالی است که ترتیب کثات غزلبای بر اساس حرف الفبای قدیم و ردیف صورت گرفته است.

نویسنده در ادامه نوشته خود این پرسش را مطرح می‌کند که آیا غزلبای قلندرانه در شکل ابتدایی خود، سرود مستان درآشام

خرایات نشین نبوده است؟

و سپس می‌آورد به نظر می‌رسد یک جانب و جودی سنایی نه به لحاظ تشبیل بلکه از نظر گاه و افق در خرابیات شکل گرفته باشد و غزلبای قلندرانه او، شکل شاعرانه ترانه‌های مستانه خرابایان است که بوسیله امثال ابرصید ایلخچیر یا مغامیر عرفانی همراه گشته است و سپس سنایی آن را از پیمانته غزل قرار داده و جدا تر غزلبای عطار قطع کرده و در زبان مولوی به ام رسیده و آنکه حافظ آن را به آستان رسانده است. سنایی این جنبهٔ پیچیدی خود را در کنار دو جانب دیگر ادبیچه سراسری و ذهن‌سنایی(آبایان عامر حفظ کرده و در مجموعه اشعار او جلوه‌هایی از این جنبه و جودی او دیده می‌شود. در این مقاله کوشش می‌شود تا ضمن اشاره به خاستگاه غزلبای قلندرانه سنایی و استمرار آن در غزلبای عطار و مولوی و حافظ و بزرگی‌های آن از نظر صورت و محتوا، در حد توان، بیان گردد.

**از نگاه**
**۱۷شاعر و محقق معاصر**
**حکیم سنایی**

کارکننده‌های موان کارهایی که در بارهٔ شرح صاحب سبک فارسی فردوسی نظامی، مولوی، سنایی و حافظ داشتند، از کارهایی که در باب سنایی شده‌است چندند؛ ولی سخن معلوم می‌شود؛ به اختصار یکی می‌توان گفت که دست کم هر چیزی کافیه برای باب سنایی و آثار او نقل است. البته نتیجهٔ معتدل آثار سنایی چه‌بیهی موجود آثار سنایی متنی در نقد و دیوهای درست تصحیح و نقد متن نیست. لازم است نسخه‌های موجود آثار سنایی و جمع آوری و توضیح شود؛ پاره‌ای واضح‌ها و آثار سنایی، در سال‌های اخیر، به صورت پایانه‌های دورهٔ دکتری مطرح پژوهشی آمده‌اند؛ گریه‌های بیشتر آنها پدید، به نسبت است. لازم است لیکن کارها چاپ و در معرض نقد و بررسی قرار گیرد؛ تا بدیع صحیح‌های مطلوب از آثار سنایی فراهم آید.

ب سنایی از شاعرانی است که در شعر او شوروی‌های فراوان هست، در این زمینه نیز کارهایی که نه‌شهادت کافی نیست؛ نظیر رود و محققان در زمینهٔ بررسی نگارنده، در جهت نقد و سخن از کارهای بیشتر انجام دهند. حج و بحث و تحقیق در باب نگار و اصناف و عرفان سنایی از کارهای دیگری است که باید انجام شود.

دی-جی-کس مطهر، تحقیقی دربارهٔ زندگی سنایی و بررسی زمینه‌های تاریخی و اجتماعی ظهور وی چالی است.

م تحقیقات سبکی دربارهٔ آثار سنایی.

و نظیر: بررسی سنایی از دیدگان و نظیر او دیگران و جایگاه او در شعر فارسی و مقالات او.

نقد: کشمکش‌های

حج: بررسی دربارهٔ اصناف اجتماعی در شعر او.

کنگرهٔ موسوم به «موضوعات فکلی است» و چون نیک‌نگریده است، موضوعات جزئی برکنگر بپای سنایی قرار داد.

**یکسون سنایی با شیوه نامه**
**مقاله نقد چیست؟**

پیش از آن‌که در آثار فارسی میانه نمونه‌های او در سده‌های و وحلی در آثار ارفی هست، اگر از ادبیات تطبیقی به موضوع بگیریم، باید بینیم که شواهد برای بحث و اطلاع بهتر از آثار سنایی موجود هست یا نه؟

کارنامه، پایهٔ موضوع و از نوع مشکلات آثار ما دانسته.

**پدر شعر عرفانی و آغاز شعر اجتماعی است، نقد چیست؟**

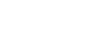
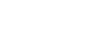
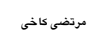
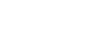
در شرح سنایی، که گفته‌های دیگر عرفان، تفریق از سده می‌شود. اگر دیدی‌های سبب به بافتور و واکنش‌های میان آنها در سده‌های شعر عرفانی بود. از سنایی شگفت‌انگیزان در سده‌های مابین طریقت و حالات عقلی است؛ اینکه به شکل اتمال شعر عرفانی کسی می‌تواند نخست ماکنر سنایی از نوع دیگر است. با سبب و با سبب هم و اساس شعر عرفانی - یعنی سبب، و مشی و غیر آن - در مبحث عرفان و سبب و آموختن و نقد اجتماعی قرار داده است و در اینکه در مشی و سبب، مقدمهٔ شعر عرفانی را نقد تعیین و تریخ و دلیل عرفان بیان کرده است و آن کاری است جدید است. در آن است که در این راه - که خود آغازگر آن است- چنان توفیقی یافته است که شاعران در جههٔ اول فارسی در بارهٔ شعر تعلیم فرود آورده‌اند، و راه او را تقلید کرده و به تکثیر رسانده‌اند.

در باب نقد اجتماعی در شعر سنایی و پیش آنگهٔ بودن او در این زمینه باید گفت که پیش از سنایی نقد اجتماعی هرگز دیگری هم در شعر فارسی بوده است و آن نام شعر و نقیض است. در حال حاضر نمی‌توانم که سنایی شعر نامر شعر و ما شناخته و جوان او را در دست داشته است. به تعاقب‌های برخی ویثات این مطلب نیست؛ چون نامر شعر و اسامعطف مطبوع و دو آنان حقیق خود را در دیگران نشان می‌گردد؛ و در عصر نامر شعر و سواد این فرقهٔ مطرود تحت تعقیب حکومت مود است؛ ممکن است چون نامر شعر و در دسترس سنایی نبوده‌اند؛ اگر بی‌اثبات این مطلب ثابت شود؛ شعر می‌توان دربارهٔ تفصیل سنایی نظر ساخت؛ و هم از بعد نقد اجتماعی و می‌وان نوآوری او در این زمینه‌ها سخن گفت. آنچه توجه نظر این دو شاعر در بحث نقد اجتماعی است آن است که او آنگاه شعر سوزیه تهیه اسامعطف است و جامعه را به دید دیگری می‌گرداند؛ آنکه نامر شعر و در بارهٔ سواد مطرود معلوم نبوده‌است. و از منظر رانندهٔ و سخنان بازمی‌نهد چون این عوامل با دیدگاهی ترتیب نبود، سبب می‌شود که دیدگاه او در زمینهٔ مطالعهٔ دیدگاهی خاص باشد؛ حال آنکه سنایی شعر است که در دو بخش یعنی در بارهٔ هاست در دورهٔ شعر نامری نیز با نظرات بارها در کمال واقعیت نیست. و پیرامون مذهب و عرفانی است که شعر او - چه در تضاد و چه در مشی‌هایش بخصوص حقیقه- با توجه به این مسائل با دو تحلیل نقد و به شعر عرفانی آغاز کرد نقد اجتماعی در شعر فارسی نیست؛ اما در همین گسالی است که جامعه را دید نقدی می‌گردانسته و همهٔ طبقات نقد اجتماعی را در حق نقدی جدی می‌بسته است و شعر او را بین نظر نیز در شعر پس از او تقلید گشته‌است.

**مرمتضی کاخی**

**آقای کاخی آیا شما آثار سنایی غزوی را می‌خوانید؟ جایگاه شعر او در شعر و ادبیات فارسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

بله من آثار سنایی را خوانده‌ام و می‌خوانم. من آن است که در کتاب صدر مجموعهٔ کتاب که گردیده‌ای از قول مولوی و از نظر نامر و دست، می‌توانم بیان تعدادی از این غزلی‌های سنایی را از ده‌ها و از آنها نقل کنم. نظری هم می‌رودش کرده‌ام؛ که این شاعران اول غزل فارسی را آموزد. آن زمان اگر به خاطر ندانته باشد؛ در تاریخ ادبیات، غزل یک حالت زندگی به تشبیب و که قصیده‌سرایان



## حکیم سنایی

**از نگاه ۱۷ شاعر و محقق معاصر**

می‌گفتند و آفتاب جا بقیعاده برده‌سنایی اول کسی بود که هفتی در غزل به کار گرفت و معزوله در غزل با تککار و تککار چوچری که معمول شد و هنوز هم هست. سنایی این نوع غزل را بر سر هر کوزهٔ نیمی‌های پسته‌های تاشان داد. بعد غزل هفت‌اسمی گشت به عرفانی، غزل‌های متلففیکی که راجع به همه چیز هست و بعد غزل عرفانی رایج‌ه گذاشت. بعضی هر دو نوع را در شعر فارسی پایه‌گذاری کرد. من این را در جلی خواندم و از کسی هم نشنیدم، ولی شواهدش را آورده‌ام.

**عرفان را در شعر سنایی چگونه تحلیل می‌کنید؟ چون پند شعر عرفانی هم به اقتضای هدای سنایی بوده است.**
بله، سنایی غزل عرفانی را هم پایه‌گذاری کرد، چون مضامین عرفانی را در ضمیمهٔ قطعه که نمی‌گفتند، پایه‌گذار غزل عرفانی سنایی بود. من این را نوشته‌ام. از این سخن غزل یک‌نوع را تحویل گرفتم. لوری داد و لوری آن را فاده داد و در هیچ بردن یکی را محسوس نگذاخت. داد که حفظ شعله‌ایش را رنج کرد و نوع سوم را هم از گوشهٔ رفتی رفتی می‌گوید.

ملکانا ذکر می‌گویم که تو شای و خلیلی، من شعر اصلاً شعر عرفانی نیست. این شعر یک شعر متلففیکی است. رودهٔ شاعران قبل از او این نوع غزل را گفته بودند. ولی سنایی با نام غزل آن را عمومی کرد. بنابراین سنایی در هر سه نوعی که در جود دارد غزل فارسی محسوب می‌شود. **سنایی را در حوزهٔ شعر اجتماعی چگونه بررسی می‌کنید؟** در آن جاده‌ها مسأله مطرح می‌شود. یکی آن‌ستایی که در اولی شعر می‌گفت، می‌بچه‌سرایی می‌کرد. ضمیمه می‌سرود و طبع اولی هم داشت که بعد از این نوع شعر مست گشتند. بعد سنایی بگویی رانه شد. به قصد و آلبینه‌های عرفانی در غزل رسید و محتوا شد. یعنی سنایی در مرحله در زندگی شعر بی‌شادی و از میان‌حلول مسائل اجتماعی و ادب شعرش منعکس کرد. اما اگر فکر اجتماعی را به‌شکل در نظر نگه‌باشند که مثلاً مسای و دیگران در آن‌گراشان داشتند و حتی در زمان شریفی اهل اقیب الملکان داشتند، به‌تازه‌ها سنایی بلکه نریهٔ شعر و هیچ مضمونی در هیچ جایی دنیا نوده‌است. یعنی طبع در آن نظم آن‌ها شوخیت‌ناشته و همه این مسائل مربوط به بعد از زرتاشتن و بخصوص بعد از قرابت‌ناست که به دنبال افکار موشکی و روسو و جان لاک و هیزر و از ریواس حافظ جهان متداول شد. بنابراین اگر سنایی را با شاعران هر دو جل بنیاد مقایسه کنید از آن اجتماعات پورستانی که معاصران ما در زمانهٔ پهلوی داشته‌ها مطهر، که گمان کنید هم داشتند و بیشتر شعر اخلاقی و اجتماعی بود. سنایی در اولی آن چراغ بود و ظرف زمان روشن‌کاران را از بی‌بسیاری و این سخن دیگران و سخن او آن دوران هم‌زیرین بود. که به اجتماعات می‌پرداختند. سنایی از وقتی که پایزه شد و نور دیده‌های بافت از مدح و تازگویی دست‌کنشید و به اصلاحات و اجتماعات رسید و بر سر برگ می‌شد.

**فکر می‌کنید در شعر سنایی آنان جای چه پژوهش‌هایی خالی است؟ چون غیر از مثنوی و رباعی و ذکر شمعنی کاشکی از مستطیل در مورد و ششتر شده است.**

می‌فشارم. چه مسأله‌های هست؟ اگر بگفتند می‌بیند که در بازار شعر این شاعری شده که چنین گفته‌ها، بلکه تاثر است که مفاخرش نوشته‌ها کاشکی یا به شاعری شده. اما در نگاه به شعر او خردانی از وی تکلف‌جایب گشتند. بنابراین شما را به هر سستی که می‌خواهد می‌نویسد. نخست بدین‌صورت بازار شعر هم امروز دنبال سنایی نیست. سپس هیچ‌کاش تحقیقی دربارهٔ سنایی نوشته نمی‌شود. امروز به سنایی و ناصر خسرو و در حالی که ناصر خسرو یکی از بزرگ‌ترین‌ها در عرصهٔ ادبیات فارسی است. اگرچه که باید و شاید و داشته شده است. تنها کارهایی که در این زمینه وجود دارد، آن‌ست که دکتر شمعنی کاشکی نوشته و منتشر کرده است. البته سعی عسقی و شیح‌الله صفا و چند نفری هم بودند که مقالاتی دربارهٔ سنایی نوشته‌ولی متأسفانه تک‌شعبهٔ تحقیقی در این زمینه وجود ندارد.

لیکن گفته شمعنی کاشکی آن‌هم مشغول نوشتن کتابی دربارهٔ سنایی است. با کارهایی که راجع به شعر مثنوی دربارهٔ راجع به او رسیده کرده کاری آکنده‌یک است. شما اگر کتابی در این زمینه می‌نویسد هیچ ناشی چاپ نمی‌کند. مگر اینکه آدمی باشد مثل دکتر شمعنی که سادفروز مطهری را هم که پیوسته به افتخار نامش هر ناشی حاضر است چاپ کند چون مخاطب خودش را پیدا می‌کند. به همین خاطر بسیاری از افرادی که تالیف تحقیق در مورد سنایی باهر شاعر دیگری را دارند دست به قلم نمی‌برند. چون امکان چاپ آن را ندارند. امروز اگر کتابی کاری در این زمینه کرده باشند و در مورد سنایی و آثارش نوشته باشند، آفتاب آشنایی نیست که مثال بند و شما بنامید: ما حتی اهل اصطلاح و آشنایی با دانش سنایی نیست. ما باطل افتخارها در مورد سنایی کاری کرده‌ایم. ولی در مورد مسائل کار شکر می‌گردانم.

**یک کتاب مستقل راجع به سنایی نوشته‌اند و یک مستیاز هم در مورد سنایی بر گزار کرده‌اند که سنایی را از خود می‌دانند.**
یک کتابی که گفته‌های پیوسته‌ها نیست کتابی است که ما نویسیم. چون آنها به‌مکتبشان را دارند و به‌وجه چنین کتابی را می‌دانند. لیکن سنایی را از خودشان دانند. شب سنایی غزونی است اهل غزیه بوده و از لحاظ جغرافیایی مربوط به آنهاست.

**فوتنه در آن زمان در محدوده جغرافیایی ایران قرار داشت.**
بله آن روز مربوط به ایران بود. آن روز اصلهٔ مکتبشان در عتبه جهان وجود داشت. تمام آن مکتف‌شان از خاک عراق بودند. چون راجع به سنایی در هر صورت آن‌ها فصل می‌خوانده‌ها و با یاد و خاطرهٔ صلهٔ که پیشانی یک کار نام و گمانال بلکه که او این جهت هم با مسئلهٔ تقویم تعداد چنین افرادی زیاد نیستند و چنین کاری نشده‌ها. این‌هم از این نیست که در آینده می‌شود. من می‌دانم دکتر شمعنی علاوهٔ آن دو کتابی که دربارهٔ سنایی منتشر کرده کتاب‌های دیگری هم در دست‌تکف دارد که راجع به سنایی و مفاخر است.

## ۱۳۹۶

سید واسعی

## پرشش از اهل فرهنگ و هنر درباره جایگاه ادبی، عرفانی حکیم سنایی از نگاه تازه به قرآن تا پلی میان زهد و عرفان

برگزاری همایش حکیم سنایی، فرصتی فراهم آورد تا به سراغ برخی از چهره‌های صاحب‌نام عرب، شعر و ادبیات و فرهنگ و هنر پریم و از آنها دربارهٔ جایگاه حکیم سنایی و ویژگی‌های آفرش بررسی.

محمود عابدی؛

با ابیده‌ای متفاوت

آیا سنایی دو نیم‌گرم، نازیک و روشن زندگانی‌اش را تا پایان صحر، هم‌راهِ با هم حفظ کرده یا با ظهور نیم گرم روشن انتضاح از مدح‌گویی، تاریکی (مدح‌گویی) را رها کرده است؟ اولین بار، آقای دکتر شمعنی حیات فکری سنایی را به دو تقسیم تقسیم کردند. سنایی پیشتر از آنکه شاعری را آغاز کند، ارتباط خاصی با ایران داشت، هرچند که کیفیت ارتباط سنایی با بهرام‌شاه غزنوی آنجنان که باید روشن نیست. اما بعضی از قرآن از جمله کتاب کارنامه بلخ نشان می‌دهد، که پذیرش استاد بعضی از ایرانان غزنوی بوده است. بنابراین، ارتباط او از طریق پذیرش ایجاد شده است و تا پایان عمرش به بهرام شاه نزدیک بوده تا جایی که یک باب حلیفه را به نام او می‌نویسد. اما نباید این دو مصیقت ارتباط او ارتباطی مترشده و معلوم‌وار بوده است. به‌نژادنامه و جدایی این دو نیم‌گرم وجودی سنایی مربوط به شعر او می‌شود. نه زندگی‌اش.

**ناواری سنایی مربوط به تحول در صورت شعر می‌شود یا وارد کردن شور و حال تازه‌ی در شعر؟**

شاعران معاصر سنایی، همچون فردوسی و ناصر خسرو، بی‌ادعائی در شعر عرضه کرده‌اند، اما سنایی با ایده‌های متفاوت، دید جدیدی داد. با یاد تصوف و درایت تأویل‌های قرآنی ایجاد کرد. اهمیت کار او در معنی تازه‌ای است که در شعر وارد کرد و گره‌ها را نظر ثابت و ظاهر در قرآن با اقتضای مسعود مسأله فرخی و عسقری حتی ضعیف‌تر نیز هست.

**با توجه به اینکه موضوع سیرالعیاد الی‌المداء یا کندی الهی فاته شیب به هم هستند در این سطر به عالم معنویت، چه عاملی سنایی را نسبت به داتنه پشروتر می‌کند؟** تا به حال اصل هسته‌های فکری داتنه و سنایی را با یکدیگر مقایسه نکرده‌ام و به‌طور روشن نمی‌دانم. اندیشهٔ مجعوری کدام‌یک روشن‌تر و آکنیسه‌شده است. اما با توجه به تاریخ ادبیات شعر فارسی می‌توان گفت، سنایی به عنوان شاعری مسلمان، در جامعهٔ پربلافت سنایی از شعر حضور مسلمانان و عقاید الهی داتنه است. به همین دلیل، بزرگ‌ترین اندیشهٔ مسلمان تاریخ ادبیات (مفاخر و مولانا) او الهام گرفته شد.

**آیا تا به حال تصحیح خویش از حدیقه ارائه شده است؟**

اگر فرض از تصحیح یک متن این باشد که وقتی خواننده، اثر را می‌خواند، یقین حاصل کند که به کلام شاعر نزدیک است؛ تا به حال هیچ‌کدام اقتضاد یک خواننده متخصص را به خود جلب نکرده است. نسخه‌های موجود با یکدیگر متفاوت هستند. به‌طوری که قدیمی‌ترین نسخه، حدیقه پیش از ۱۰۰۰ت است. داتنه ولی حدیقه موجود باقی بر ۱۱۰۰۰ت است. چمنیا، که ۱۰۰۰ت است. بر اصل حدیقه افزوده شده است. بنابراین برای دست یافتن به تصحیح کاملی از این متن باید صحیح‌ترین قدیمی‌ترین و اصل‌ترین نسخه‌ها جمع‌آوری شوند و اشعاعات تکلیف از آن حذف شود.

**به چه دلیل سنایی در اشعارش به امر و نهی می‌پردازد و این نوع موعظه‌گری چگونه وارد شعر فارسی شده است؟**

سنایی آن‌ستایی است که به خدا آدم و ایلیس اقتضاد دارد. وی باور دارد که خدا اولین کسی است که به انسان امر کرده علاوه بر این او خود را در جایگاه نبی و اخلاقی می‌دیده که به‌صورت یک مصلح اجتماعی رادقت بر احوال مردم زمانه‌اش به امر و نهی آنها پرداخته است.

منوچهر آنتاشی؛

بیان بی‌پروای واقعت‌ها

سنایی در جامعه ما چه جایگاهی دارد؟

سنایی از شاعران طرف و داهد و نویسنده است که بی‌پروا واقعیت‌های عصر خود را بازگو می‌کند. او از زمانهٔ دوران خودش هم جایگاه والا و قابل احترامی داشته‌چنان که شاعران بزرگی بعد از او بارها از اشعارشان از سنایی یاد کرده‌اند. اما این یک واقعیتی است که جوان‌های ما کمتر علاقه‌ای به خواندن اشعار سنایی یا شاعرانی از

قبیل سنایی نشان می‌دهند چرا که امروزه جوان‌ها به هیچ‌نزد جدی نمی‌پردازند. اما در هر صورت سنایی شاعر بزرگی است که با نایاب‌های اعجازش شاعر بزرگی گمراه‌راه با استفاده می‌گیرد در آرزوی رسیدن به یک اسلام نیرومند. از این منشی ریاست جوی رضا.

هیچ نگشاید
مسلماًتی ز سلمان جوی و در دین یزودا

**اهمیت حدیقه در چیست؟**

بزرگ‌ترین ویژگی حدیقه باز کردن محوره‌ای ایهام عرفانی و تمثیل است. اما من در این کتاب که بسیاری از پژوهشگران حدیقه را نسبت به دیگر شمشیرهای عرفانی بشنود می‌دانند، نزدیک می‌آورم. مرکز خلایقیت سنایی در حورش چه نوع عرفی است؟ مرکز خلایقیت او در قدیمه است. او در فصل‌های از زبانی تازه و بکر و کلامی اشعار بهره گرفته است.

**از میان شاعران معاصر کدام‌یک پیشتر سنایی بهره گرفته‌اند؟**

آقای دکتر شمعنی کاشکی به شعر فخر، شعر، ترجمه دوره سنایی را شاشانه‌اند و به تحلیل آنها پرداخته‌اند.

سید محمودی ؛

پلی میان زهد و عرفان

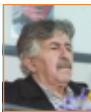
**آیا عرف نهادن سنایی به مقام انسان یا فخر انشعری در مغایرت ندارد؟**
باور این که سنایی شعر انشعری بوده است، برام دشوار است. علاوه بر اینکه انشعری‌ها کارهای خیلی نیشنده به این مفهوم که هیچ ارزش و استغلاقی برای انسان قائل نباشند. اینایی آبیانی دارد، که گواهِ بر شیعه بودن اوست. و گرایش وی به معزوله است. آنکه او را بر سر حدیقه همی خوانی امیر کاکوم کر می‌خواند گفتن قسیر گفتن ای سنایی به قوت بیوان مدح حیدر کوبیس از عثمان مباحث مبالغ مطلق و هنر اشعار است و جانشیح تعریف سنایی در مقام انسان، به مفهوم غریب آن (اوپرانیوم) نیست و هیچ شباهتی هم با آن ندارد. از سنایی تا آفتاب تفسیری که از آزادی انسان و اختیار او ارائه می‌شود، پوری نیست که در تعریف لیزران محرک‌های انشعری امروزه می‌نویسد. برهان انسان قائل است که قانع از دیدگاه‌های معجزه‌نامه رایج است. چنان که می‌گوید: مکن در حبس و در منزلت که این دوزن است و آن والا

فدله زین هر دو بیرون ده، نه این جایش و نه آن‌جا

**ولی آیا به نظر نمی‌رسد مجموعه‌های یک تفکر خاص را با واژه‌های متفاوت تکرار کرده؟**

یک قصه پیش‌تکب مشق و این عجب
کز زبان که می‌شود تا مکرر است
همه ادبیات تکرار است.
در ادبیات عرفانی و یا غیر عرفانی یا موضوع‌های مجعوری سر و کار داریم اما اینان از مضامین معجزه‌نامه مطلقه‌ها و تکشف‌های معجزی می‌شود. این تکشف‌ها با سادگ‌ها هم هستند که تجلی‌های کوبانگویی‌ها دارند و گرنه شوخ چشایی در موضوع‌ها دیده نمی‌شود. چرا آن‌ها معاصر گستر از اشعار سنایی شد می‌رود.

انسان معاصر از شعر می‌ترسد. چراکه شعر عرفانی حقیقتاً با حقیقت جهان است. انسان مطورهٔ امروز با جلوه‌های ویژهٔ کنش تکنیکال سرگرم است. شمس این که میسزم انوشیروان بر خال گسترش چمنسنگر، مکتب قابل توجهی یافته است. دانش‌نگاه‌هایی که با ارائهٔ سادگ فقط سطح نوعی دانشجو را بالا می‌برد. نه خلاف آنچه که بپنداشد می‌شود. اگر آگاهی‌مآلفهٔ نسی کند و به یک اطلاع‌رسان ساده میل شده‌اند. اسلند معاصر انسان نیاز به آگاهی ندارد. ولی فقط می‌خواهد خودش را در پیرامونش را ببیند. به همین دلیل به تصویر رومی می‌آورد ولی ما در بسیاری از اشعار خوب سعیدی حافظ اصلاً تصویری نمی‌بینیم که بخواهیم اصالت شعر خوب را در ارائهٔ تصویری ناب بنامیم. چه‌سآ بیرونی نظریات متجددانه شاملونی گردید. سعیدی نظرم بزرگی بوده و شعر بی‌نورده اقتدر شده‌ها. زامهری بوده است که با دانشش را با شعر آشنیده است می‌گیریم. و این همان سهل‌تر است. او با برزهای یک‌بار معبرف تجده



سید محمودی

بزرگترین ویژگی حدیقه باز کردن محوره‌ای ایهام عرفانی و تمثیل است. اما من در این کتاب که بسیاری از پژوهشگران حدیقه را نسبت به دیگر شمشیرهای عرفانی بشنود می‌دانند، نزدیک می‌آورم. مرکز خلایقیت سنایی در حورش چه نوع عرفی است؟ مرکز خلایقیت او در قدیمه است. او در فصل‌های از زبانی تازه و بکر و کلامی اشعار بهره گرفته است.

**از میان شاعران معاصر کدام‌یک پیشتر سنایی بهره گرفته‌اند؟**
آقای دکتر شمعنی کاشکی به شعر فخر، شعر، ترجمه دوره سنایی را شاشانه‌اند و به تحلیل آنها پرداخته‌اند.

سید محمودی ؛

پلی میان زهد و عرفان

**آیا عرف نهادن سنایی به مقام انسان یا فخر انشعری در مغایرت ندارد؟**
باور این که سنایی شعر انشعری بوده است، برام دشوار است. علاوه بر اینکه انشعری‌ها کارهای خیلی نیشنده به این مفهوم که هیچ ارزش و استغلاقی برای انسان قائل نباشند. اینایی آبیانی دارد، که گواهِ بر شیعه بودن اوست. و گرایش وی به معزوله است. آنکه او را بر سر حدیقه همی خوانی امیر کاکوم کر می‌خواند گفتن قسیر گفتن ای سنایی به قوت بیوان مدح حیدر کوبیس از عثمان مباحث مبالغ مطلق و هنر اشعار است و جانشیح تعریف سنایی در مقام انسان، به مفهوم غریب آن (اوپرانیوم) نیست و هیچ شباهتی هم با آن ندارد. از سنایی تا آفتاب تفسیری که از آزادی انسان و اختیار او ارائه می‌شود، پوری نیست که در تعریف لیزران محرک‌های انشعری امروزه می‌نویسد. برهان انسان قائل است که قانع از دیدگاه‌های معجزه‌نامه رایج است. چنان که می‌گوید: مکن در حبس و در منزلت که این دوزن است و آن والا

فدله زین هر دو بیرون ده، نه این جایش و نه آن‌جا

**ولی آیا به نظر نمی‌رسد مجموعه‌های یک تفکر خاص را با واژه‌های متفاوت تکرار کرده؟**

یک قصه پیش‌تکب مشق و این عجب
کز زبان که می‌شود تا مکرر است
همه ادبیات تکرار است.
در ادبیات عرفانی و یا غیر عرفانی یا موضوع‌های مجعوری سر و کار داریم اما اینان از مضامین معجزه‌نامه مطلقه‌ها و تکشف‌های معجزی می‌شود. این تکشف‌ها با سادگ‌ها هم هستند که تجلی‌های کوبانگویی‌ها دارند و گرنه شوخ چشایی در موضوع‌ها دیده نمی‌شود. چرا آن‌ها معاصر گستر از اشعار سنایی شد می‌رود.

انسان معاصر از شعر می‌ترسد. چراکه شعر عرفانی حقیقتاً با حقیقت جهان است. انسان مطورهٔ امروز با جلوه‌های ویژهٔ کنش تکنیکال سرگرم است. شمس این که میسزم انوشیروان بر خال گسترش چمنسنگر، مکتب قابل توجهی یافته است. دانش‌نگاه‌هایی که با ارائهٔ سادگ فقط سطح نوعی دانشجو را بالا می‌برد. نه خلاف آنچه که بپنداشد می‌شود. اگر آگاهی‌مآلفهٔ نسی کند و به یک اطلاع‌رسان ساده میل شده‌اند. اسلند معاصر انسان نیاز به آگاهی ندارد. ولی فقط می‌خواهد خودش را در پیرامونش را ببیند. به همین دلیل به تصویر رومی می‌آورد ولی ما در بسیاری از اشعار خوب سعیدی حافظ اصلاً تصویری نمی‌بینیم که بخواهیم اصالت شعر خوب را در ارائهٔ تصویری ناب بنامیم. چه‌سآ بیرونی نظریات متجددانه شاملونی گردید. سعیدی نظرم بزرگی بوده و شعر بی‌نورده اقتدر شده‌ها. زامهری بوده است که با دانشش را با شعر آشنیده است می‌گیریم. و این همان سهل‌تر است. او با برزهای یک‌بار معبرف تجده



حکیم سنایی  
شاعر و محقق معاصر

۱۴

دوشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۳







## حکیم سنایی

**از نگاه**

**۱۷ شاعر**

**و محقق معاصر**

**سنایی** در **شعر اجتماعی** چگونگی **عمل کرده** است؟ به‌طور کلی اگر ادبیته‌های اجتماعی را در شعر عرفا دنبال کنیم، به‌صورت عرفان مثبت و آن عرفان پویایی که همه به آن تکیه می‌کنند، می‌بینیم که ادبته‌های که سنایی را قبلاً داشته و به‌عنوان شاعری درباری مطرح بوده و مدیحه می‌سروده، تحول پیدا کرده و به سمت شعر اجتماعی هم گرایش پیدا می‌کند. چون عده‌ای متأسفانه برداشت‌های غلطی از عرفان به‌ویژه از تصوف داشتند و از ادراکی و حقیقت‌نمایی و گوشه‌گشایی پایشه خود می‌کردند. اما بعضی عرفا این نشاط را داشتند که جامعه را به حرکت در آورند مخصوصاً مولوی که در جایی می‌گوید: «صلاحت در خین عینن های و هواصلحت در دین ما جنگ و شکوه پس می‌بینیم عاصری که در ادیان قدیم بوده و در عرفان مسیحیت هم بوده. در عرفان اسلامی به می‌شود در واقع عرفان توسط سنایی به‌صورت گسترده وارد شعر می‌شود. قلب از او هم شاعران در فرد، چهارم و پنجم بودند که به‌صورت شفاهی آثاری از آنها به‌جامانده است.

به این ترتیب می‌توانیم ادبیته‌های اجتماعی سنایی را از لایه‌های آثارش استخراج کنیم و به مخاطبان نشان دهیم. **نیکسوزن و یان‌ریکا، سنایی را پیشرو واقعه می‌داند، آیا شما با این نظر موافقت؟**

این در حوزه دیگری مطرح شده و لازم است مفاصلت بیشتری صورت بگیرد، مانی به‌توانسته در این مورد نظر بدیم.

**توفیق هـ. سبحانی**

**آقای سبحانی، جایگاه سنایی در ادبیات فارسی کیاست و ارزشیامی از آثار سنایی چیست؟**

جایگاه سنایی فکر می‌کم بلافاصله قلب از مولوی است،

از نظر تاریخی عرض می‌کنم.

**شما خودتان چقدر آثار سنایی را مطالعه کرده‌اید؟**
من دیوان سنایی را جست، گریخته خوانده‌ام، ولی «مدیحه» را به‌صورت کامل و عمیق خوانده‌ام. حقیقه در واقع فشرده انکار سنایی است. یعنی عقلی که مولانا در سه چهار بیت یا بیشتر بیان می‌کند، بعضی در یک بیت هم گوید یعنی سنایی با ایجاد بسیار جنس، انگارش را در قالب شعر بیان می‌کند.

**در مورد «مدیحه» بفرمایید، چه نظری دارید؟**
«مدیحه» کتاب بسیار موجز و جالبی است که انگعاسی خالصی از شگرتهای سنایی است. متأسفانه جویدعاطف کجراتی که حدیقه را شرح کرده، هیچ‌کس دیگری به‌سراغ شرح حدیقه سنایی نرفته است. به این دلیل که حدیقه اثری پربهای است و من خیلی گشمت تا شرح کجراتی از حدیقه را پیدا کردم. کتاب حدیقه کتاب درسی دانشگاهی است. من مدتی که در همدانم دانشجویان برون‌مرزی از من در مورد سنایی سؤال می‌کردند، و همدان برآمد تا در مورد سنایی کتابی یاد کنم که زندگی و آثارش را شرح و بررسی کرده باشد که خوشبختانه شرح حدیقه کجراتی از حدیقه را پیدا کردم. در این کتاب حدیقه غیر از این کتاب، هیچ کتابی پیدا نکردم و این شاید به ویژگی زبانی سنایی مربوط می‌شود که گویا زبانی موجز و فشرده در آثارش به کار می‌گیرد.

**سنایی در همین حدیقه، سرفآغاز شعر اجتماعی ایران را پایه‌گذاری می‌کند.**

بله، همینطور است. غیر از این متنی‌هایست هست که در یک جلد جداگانه چاپ شده است، در قالب رسالات خیلی کوتاه تدوین شده که دانشگاه تهران زمانی آنها را چاپ کرده بود.

**«آزایانه‌های سلوک» و دکتر شفیعی کدکنی هم به‌شئو‌های سنایی و شرح آنها اختصاص دارد.**

بله، درست است.

**فکر می‌کنید امروز جای چه پژوهش‌هایی در مورد سنایی و آثارش در ایران خالی است؟**

واقعاً باید به دنبال ترشی‌پرامون مهمترین اثر او یعنی، «مدیحه» بود. باید شرح‌هایی از این اثر تهیه کرد، شرحی که قابل فهم باشد، و در نظر داشته که تعظیم باشنده، شرح یا گزاردهای مختلف از دیوان اشعارش، یا گزاردهای از شئو‌هایست باید تهیه و چاپ کرد. این حداقل کاری است که در مورد سنایی می‌شود کرد.

سنایی به‌صورتی روری مولوی و عطار هم تأثیر گذاشته و شعر بعد از خودش را متأثر کرده است.

**بله بلافاصله قلب از مولوی، عطار تحت تأثیر سنایی قرار گرفت. ظاهر این بیت از سپر مولوی است که می‌گوید:**

«عطار روح بود و سنایی دو چشم او

این شعر در دیوان سلطان ولد بسیار مولاآدمه است. وقتی مولاآ در ملتی بارها از حکیم غزنی اسم می‌برد و نشاندهای از سنایی می‌آورد که مطمئناً بعضی جاهای متنی را که می‌خواند، رایحه کلام سنایی به مشام می‌رسد. هیچ تردیدی نیست که مولانا یا آثار سنایی خیلی مانی بوده، مخصوصاً با حدیقه.

**گفت و گو با علی اصغر محمدخانی دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی**

# بنیانگذار شعر صوفیانه

وی تأثیر قطبیم بر شعرا و نویسندگان صوفی ادوار بعدی در برجای نگارده است. جهت سنایی بسیار دور و در زمان حیات خودش نیز تکیه شد و بر تنی چند از شاعران که مایلند سنایی بماند، این آنداد است. او استخوان کرده‌اند، بسیاری از مصرع و بیت‌های سنایی به‌صورت مثل روایج پیدا کرده‌اند. مانند شعر نظم آموخی از حرس آنگ ترس کهکش ششیا چو دردی با چراغ آمد گزیده‌تر بر آلا

این قصیده که شاعرش جنگ سنایی است. تأثیر فراوانی بر عارفان و شاعران بعد از خود گذاشت و به‌صورت مثل درآمد، است و به‌سبب با ایشان از این قصیده در آثار عین‌القضاة، رشیدالدین میبدی، سهروردی و زویه‌بان بقی برمی‌خوریم و کسانی مانند نجم‌الدین ایبک، شمس تبریزی، سلطان ولد و… به‌ایش از قصیده یادشده، استنباط کرده‌اند. آنچه به نظر می‌رسد این است که گفت که آثار سنایی بر مولوی بیشتر از دیگران بوده‌است. این تأثیر را چگونه می‌بینیم؟

در کتاب مناقب العارفین از مولانا نقل شده است که می‌فرماید: هر که سخنان سنایی را به‌افکار مطالعه نماید، کلام ما را ادراک کند و از آن برخوردار شود و برخوردار می‌شود.

مولانا در همین چندین بار، به احترام این نام می‌برد و حکایتی از اهل‌بیت را به‌حدیقه‌ای که در وی نقل کرده است، از مطالعه مستندی و دیوان شمس به‌خوبی می‌بریم که مولوی انس و الفت مستندی با آثار سنایی داشته است. مرتبه‌ای که مولانا بعد از سال‌ها بر وفات سنایی سروده است. جایی از شدت علاقه وی است.

است گفت کسی خواهج سنایی ببرد، امرمگ چنین خواهج نه کاری است خود.

با مولانا می‌گوید: آنچنان گوید حکیم غزنی را در اهل‌بیت گر خوش شنیدی.

غیر از مولوی این مولی گفت که عرفانی، عطار، سعدی، حافظ و جلی و طغی‌نوشته‌ها که در حوزه و سنت عرفانی بوده‌اند، همگی ساج می‌گردند، همه پوینده داعی هستند که سنایی ساخت و هموار کرد، در اینجا باید اشاره کنم که سنایی آغازگر سبک‌های پارادوکسی بی‌هست و دکتر طبعی کدکنی آغازکننده‌ی سبک‌های معانی بقیق گفته و از سنایی می‌داند که در حدیقه اشعار آنجا به این سخن اشاره کرده‌اند.

همان‌طور که اشاره کردیم، به‌ویژه معانی کلام و روش‌های گویید تاکنون در دوران و در کشورهای دیگر به‌ویژه اهل‌بیت سنایی انجام شده است و چه کسانی در این حوزه، در پی تحقیق و درباب آثار سنایی تلاش کرده‌اند؟

سهروردی از مستشرقان و ایرانشناسان اصعبت سنایی را خوب برآفته و بی‌درمان‌های ذوقی در آثار وی صورت داده‌اند. از جمله افراد، نورانی، ازوب، جان آریز و نیکسون که مطالعه نوشته است که سنایی بیشتر دانته است و مرحوم عباس اقبال این مقاله را ترجمه و در مجله یادگار منتشر کرده‌اند. دورین استاد هندی، برنلس ایرانشناس روس، برنلس که در دانشگاه لوزان سوی سوئیس می‌انند، ریگنوکو زینی و دیالو میبیدی، و رابلا لاریانا از دانشگاه وینر ایتالیای، گرگ اسمیت‌سنکی از لهستان، دو دبانی عرب، دکتر جراح دربار مصر، دکتر حافظ علی و همد، پروفیسور نظیر احمد و دیگران دربار عراق تحقیق کرده و آثاری منتشر ساخته‌اند. البته باید از محققان افغانستان مانند دکتر سرور هاشورلی، دکتر صدیق‌نور و گمان دیگر یاد کرد که آثار معدودی درباره سنایی منتشر کرده‌اند. در ایران هم مرحوم مدرس عشق که تصحیح حدیقه را در «۵۰ سال پیش انجام دادند و استادان دیگری مانند دکتر طبعی کدکنی که کتاب‌هایی چون تاریخ‌های سلوک را نوشته‌اند و دانشمندی پایان‌نامه‌هایی درباره سنایی بوده‌اند و در میان سبب اشعار گزینان زبان و ادب فارسی، دکتر باالله جلالی پهنر، دکتر مهدی زلفی، دکتر مریم حسینی و… را می‌توان نام برد.

با این حساب در همین گزینان کلمات حکیم سنایی شاهد بحث علمی و ذوقی خواهیم بود. اگر ممکن است درباره مباحثی که در این مباحثش به آن پرداخته می‌شود و نیز افراد مدعو نیز ایشان را داشته باشید، موضوعاتی که سخنران به بحث و گفت‌وگو خواهند گذاشت از این گروه است: جایگاه سنایی در گزینان ادبیات عرفانی، سنایی عرفانی مولانا در شئو‌های سنایی، عرفان‌های فلسفی سهروردی، سهروردی، سهروردیسر عرفانی در شعر سنایی، سیر سنایی شمس در ایران و جهان، مقایسه سرفآغازهای سنایی با تمدنی‌های جهان و سیر سلوک زائران ایران، مانی، آندادشده، اشعاری کلامی سنایی، ریاضیات عرفانی سنایی، نگاره‌های زبانی در سخن سنایی و…

استادانی که در این مباحث بحث کردند: دکتر فلاحسین ابراهیمی دبستانی، دکتر اصغر دایب، دکتر سعید حیدریان، دکتر میرجلال‌الدین کرایی، حبیب مایل هروی، دکتر محمد جعفر باغلی، دکتر محمدنورالله معصومی، دکتر مریم سلوک‌نوشته‌ها، دکتر جلالی شادمان، دکتر مهدی زلفی، دکتر مریم حسینی، دکتر محمدکاشف کهنکوی، دکتر محمود فوجی و… از سنایی‌پژوهان خارج از کشور هم دعوت کرده‌ام که مقالاتی را ارائه خواهند داد.

**به‌عنوان پرسش پایانی می‌خواهم‌بعداً همایش‌هایی، شوری‌اندیش زبان و ادبیات فارسی چه برنامه‌های دیگری برای معرفی بزرگان ادب فارسی به‌جهان دارد؟**

در روزهای که به نام پانزدهم بزرگان ادب فارسی مقاله‌ها منتشر شدند، یازدهم‌های فرهنگی و استادان در گزینهای زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور داریم که با امکانات کارگ می‌شود، نشانده، تالیفات علمی و دست‌نویس‌ها، مقاله‌ها، سخنرانی و… در سیمینار خواهیم کرد و قالب همایش‌های جمع و جور و علمی، برنامه‌های را درگت بینیم.

**بازشناسی و بررسی آراء و آثار بزرگان ادب فارسی یکی از نیازهای مهم روزگار ماست که این بلافاصله باید با نگاه نو به زندگی و آثار بزرگان ماست. آیا کار در فرهنگ و تمدن اثری هم‌راه خود در سال‌های گذشته همایش‌ها و برنامه‌های مختلفی برای نگذاشت حافظ سعدی، خیام فردوسی، سهروردی، ملاصدرا، مولوی این سبیا و… برگزار شده و روزهای تیزواری یادآور این بزرگان در تقویم ثبت شده است. آیا بسیاری از اشعار، موسیقی‌ها و شخصیت‌ها کمتر به‌صورت معرفی شده‌اند و باید که در میان نبوده است شوری گسترش زبان و ادبیات فارسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری دانشگاه تربیت معلم قصد برگزاری همایش بازشناسی حکیم سنایی غزنی را در ۲۹ فروردین ۱۳۹۲ دارد که با حضور سنایی‌پژوهان داخل و خارج کشور در دانشگاه تربیت معلم برگزار می‌شود با طی هم‌صورت‌های هم شوری گسترش زبان و ادبیات فارسی درباره سنایی و برنامه‌های همایش گفت‌وگوی کرده‌ایم که از نظر شما می‌گردد**



## سنایی در ادبیات عرفانی فارسی همان نقشی را دارد که دنیا در شعر نو

**از موافق باشید در ابتدا از جایگاه حکیم سنایی در تاریخ فرهنگ و ادب فارسی آغاز کنیم.**

سنایی در ادبیات عرفانی فارسی همان نقشی را دارد که دنیا در شعر نو، وی با گذاشتن اندیشه عرفانی و آموزه‌های صوفیانه به‌یرون شعر فارسی جنبشی ایجاد کرد که دامنه آن تا روزگار ما امتداد یافته است. به نظر من تاکنون آنقدر که شایسته و بی‌بسته سنایی است سخن و جایگاه او در ادب فارسی اثری معرفی و شناخته نشده است. اگر خواهیم که سنایی را بشناسیم، خوب است تکالیف به شعر فارسی قلب از سنایی کنیم و بعدببینیم که سنایی چه کرد، اگرچه به هم پیشگویی شعر فارسی با تصوف و رواج اشعار صوفیانه از عصر سلجوقیان آغاز می‌شود و پیش از سنایی یکجراتی بوده‌اند که اشعار صوفیانه می‌سروده‌اند و این نوع سخن پیش از سنایی وجود داشته است اما سنایی در تاریخ ادبیات فارسی به نام اول شعر صوفیانه ایران خوانده می‌شود. قسمت مثل دنیا در شعر نو که اگرچه قلب از او کلماتی مانند غلی رعد و… شعر سروده‌اند اما اینجا را پایه‌گذار و آغازگر شعر نو می‌دانیم.

**با این وصف آیا می‌توان تحولات شعر نو را با ادبیات عرفانی به‌طور یکسان مشاهده؟**

ملاحظه می‌کنیم که اشاره کردیم، قلب از سنایی، عرفان دیگری بوده‌اند که اشعار صوفیانه می‌سروده‌اند، مانند ابوسعید ابوالخیر صوفی بزرگ که پیش از سنایی می‌زیست و العزازی منسوب به او باقی‌مانده ولی به قدر سنایی در بین عامه نوشته‌است شهرت کمب کند. شعر صوفیانه در زمان سنایی به‌سبب او رواج و شهرت شد، سنایی بعضی ایجاد کرد و آن را زایش و بسط داد و قلب‌های او قصیده و منظومه‌های زبانی باری بیان افکار صوفیانه تکلیف کرد، به‌طوری‌که پیش از او آنجایی که آغازگر بسیاری از شوه‌های اشعارانه مانند غزل عرفانی، شئو‌های تعلیمی و فلسفی و شعر فلسفی است. سنایی متأسفانه آثاری در شعر فارسی زمان خود نگذاشت. که صورت شعریش بود و کسی را بر مطلقه که آن را و قید و بندهایی که سنایی بر قسمت اشعری و بیانی آن زده بود نگذاشت.

و سنایی این کار را کرد، او در حدیقه و غزلیات و تصانیف خود سرفآغاز و دیوان‌ساز به‌شمار می‌آید و به حق می‌توان او را یکی از بنیانگذاران شعر صوفیانه ایران دانست.

**اگر ممکن‌است همین‌گونه‌اگر‌ها که‌سای یکی از آغازگران شعر صوفیانه دانسته می‌شود، بیشتر باز کنید یعنی این تأثیرها بر کدام‌های بوده و چگونه صورت گرفته است؟**

در این تردید نیست که سنایی پیشرو بسیاری از شاعران فارسی است. مولوی و عطار ازاند جامع‌تر به دانسته‌اند. مولوی می‌گوید: عطار روح بود و سنایی دو چشم او را از بی‌سنایی و عطار آدم‌بیم سنایی از جنبه‌های مختلف تأثیر گذاشته است. یکی در حوزه همدانیه که زهدیات سنایی جنبش بسیار غنی است از نشیبات و تصویرپردازی‌های که تقریباً در آغاز مرحله رشد کامل شعر صوفیانه فارسی جای دارند. انواع مختلف اشعار مذهبی سنایی، صبور و خوار و درون‌مایه‌های شعری



توفیق هـ. سبحانی